



۲۰/۳/۱

اظهار نظر کارشناسی با موضوع:
معرفی میزهای تخصصی
نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی

محورهای جلسه:

۱. عامل اصلی مشکلات فعلی کشور و راه حل بنیادین برای حل آن چیست؟
۱/۱. ظرفیت استفاده از نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی در طراحی برنامه هفتم چیست؟
۲. میزهای ۹ گانه نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی در قالب کدام مفاهیم اصلی، تعاریف جدید خود را ارائه می دهد؟
۳. توضیح نظریات مطرح در میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی:
۳/۱. نظریه الگوی ساخت (نظریه نظام سازی اختیاری) چیست؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
دی ماه ۱۳۹۸

ارائه: حجت الاسلام کشوری
در نمایشگاه تخصصی الگوی
پیشرفت اسلامی

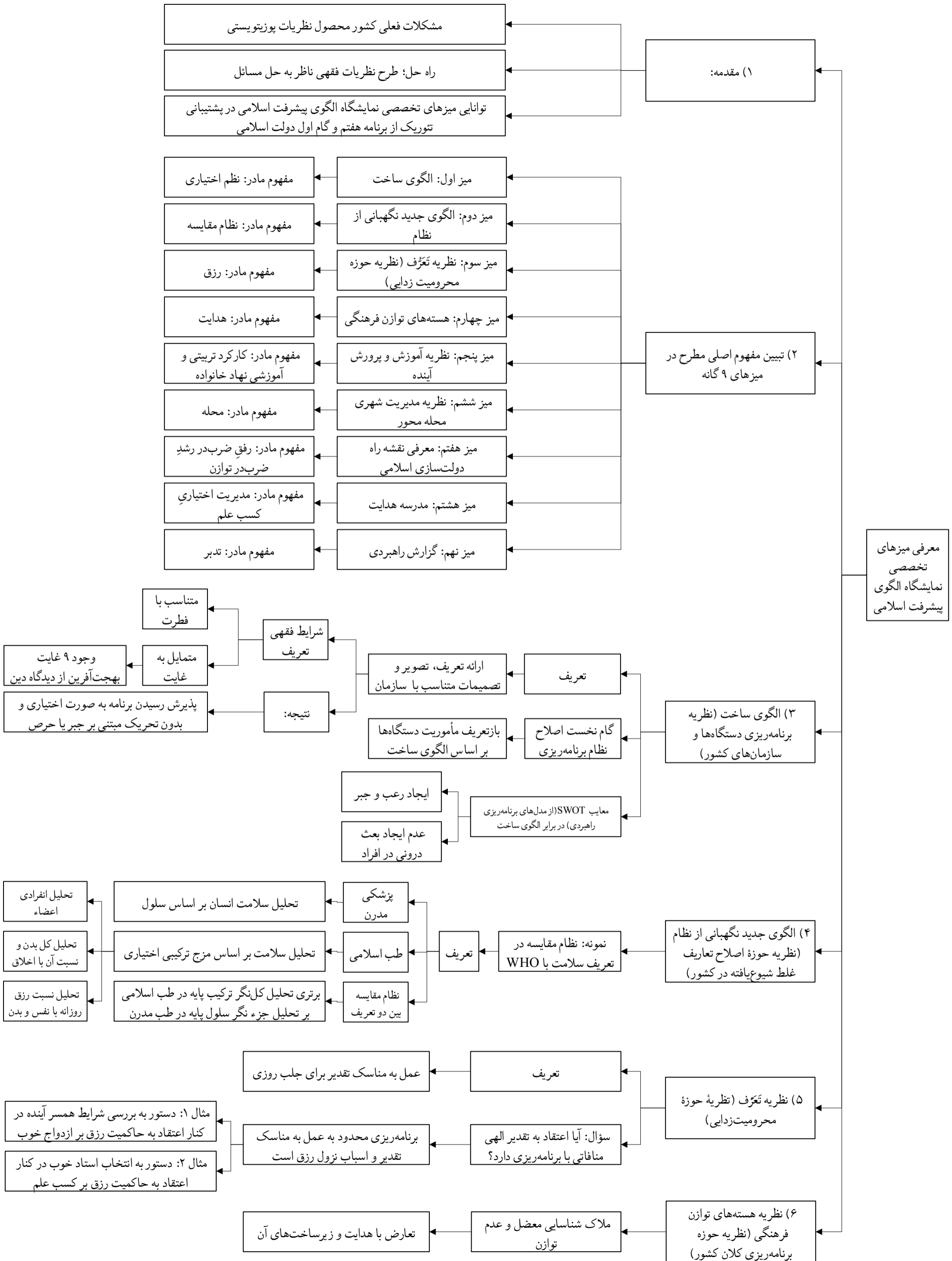
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

معرفی میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی



شناسنامه:

متن پیش‌رو (ویرایش اول) بیستمین مکتوب از نوع سوم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیشخوان) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست «معرفی میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی» در جمع برخی طلاب و فضایی حوزوی و اساتید دانشگاه است که در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۳۹۸ (۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱) در محل نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست اجمالی

۱. نظریات پوزیتویستی؛ عامل اصلی مشکلات حال حاضر کشور ۲
۲. میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ راهکارهای فقهی برای عبور از مشکلات حال حاضر کشور ۲
- ۲/۱. وجود ظرفیت پشتیبانی مفهومی از برنامه هفتم؛ یک نمونه از کارکردهای تصمیم‌سازانه میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۲
- ۲/۲. مفهوم مادر نظریات مطرح در میزهای تخصصی نه گانه نمایشگاه چیست؟ ۳
- ۲/۳. ارائه تصویر و تصمیم؛ راهکار کاربردی کردن تعاریف فقهی ارائه شده در هر نظریه ۶
- ۲/۳/۱. انحلال در تعاریف تفصیلی رقیب؛ نتیجه کلی گویی در حوزه برنامه‌ریزی ۶
۳. الگوی ساخت؛ نظریه مرتبط با نظام‌سازی اختیاری (مناسب برای برنامه‌ریزی دستگاه‌ها و سازمان‌های کشوری) ۷
۴. الگوی جدید نخبه‌بانی از نظام؛ نظریه حوزه اصلاح تعاریف غلط شیوع‌یافته در کشور ۱۴
- ۴/۱. ایجاد نظام مقایسه در تعریف سلامت با WHO؛ مثالی از اصلاح تعاریف غلط موجود با استفاده از الگوی جدید نخبه‌بانی از نظام ۱۴
۵. نظریه تعریف؛ نظریه حوزه محرومیت‌زدایی ۱۹
- ۵/۱. عمل به مناسک تقدیر برای جلب روزی در همه حیطه‌ها؛ درون مایه اصلی نظریه تعریف ۱۹
۶. نظریه هسته‌های توازن فرهنگی؛ نظریه حوزه برنامه‌ریزی کشور ۲۲
- ۶/۱. تعارض با هدایت؛ ملاک شناسایی معضل در نظام برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۲۲
- پیوست‌ها ۲۴
- پیوست رجالی ۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْحِزَابِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ.

همان طوری که به استحضار برادران محترم رسیده است در جلسه امروز به فضل الهی میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی را به نحو اجمال به محضر برادران خودم توضیح خواهم داد. نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی اولین نسخه از مراکز تصمیم‌سازی حوزوی در مسئله اداره جامعه است که به فعلیت رسیده است و در واقع مجموعه تلاشی‌هایی که انقلاب اسلامی از اول انقلاب دنبال کرد تا اینکه فقه ارتقاء پیدا کند، به میوه‌های اولیه رسیده است و می‌توان آینده‌ای

۱. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام: امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند. این، یعنی نقطه‌ی مقابل آن آفتی که گفتیم تحجر است. حتی در اواخر سال‌های عمر بابرکت امام بزرگوار، مسائلی که به ظاهر جزئی می‌نمود - اما با توجه به این که یک خط و یک سمتگیری را به فقهای شیعه نشان می‌داد، بسیار مهم بود - پیش آمد و ایشان باز هم نشان داد که آن کسی که می‌خواهد نظام را اداره کند؛ آن فقهی که می‌خواهد یک ملت یا مجموعه‌ی عظیمی از انسان‌ها و ملت‌ها را اداره کند، بایستی بتواند شرایط زمان را بشناسد و پاسخ هر نیازی را در هنگام آن نیاز، به آن بدهد و نمی‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه‌ی مسائل زندگی مردم، نقطه‌ای را بی‌پاسخ بگذارد.

بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۷۶/۳/۱۴

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام: ما اگر بخواهیم آنچه را که باید عمل بشود، در یک جمله خلاصه کنیم، آن یک جمله عبارت از فقه اسلامی است. ما باید فقه اسلامی را در جامعه پیاده کنیم. فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً؛ فقه‌الله‌الاکبر این است. آن چیزی که زندگی انسان را اداره می‌کند - یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی - فقه است.

بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزہ‌ی علمیہ‌ی قم ۱۳۷۰/۱۱/۳

متفاوت از وضعیت فعلی در حوزه برنامه‌ریزی و در حوزه اداره جامعه را بر اساس این تحول ایجاد شده به ملت ایران پیشنهاد کرد.

۱. نظریات پوزیتیویستی؛ عامل اصلی مشکلات حال حاضر کشور

اگر این فرض را بپذیریم که وضعیت فعلی کشور در حوزه‌های مختلف و نابه‌سامانی‌هایی حال حاضر محصول محاسبات غلط و مفاهیم تنزل‌یافته پوزیتیویستی^۲ و نظریاتی است که از غرب کپی و ترجمه شده و در ایران اجرا شده است، پس به صورت طبیعی می‌بایست برای عبور از این مشکلات و اداره دینی جامعه نظریات فقهی و دینی را مطرح کرد. اگر این آسیب‌شناسی مورد پذیرش نخبگان باشد، نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی در پاسخ به این نیاز و برای رفع این مشکل به میدان آمده است. بنابراین جلسه امروز به نظر بنده خیلی کمک می‌کند که ما برای سال ۱۴۰۰ به بعد آماده باشیم که اگر دولت حزب‌اللهی جوان بر سر کار آمد^۳ به دلیل فقدان تئوری‌های دینی، آن دولت در تئوری‌های موجود منحل نشود. بنابراین از حیث اهمیت راهبردی، جلسه امروز بسیار اهمیت دارد و از خدای متعال تقاضا می‌کنم که عیب‌های کلامی و معنایی ما را شفاعت کند و ان‌شاء‌الله بتوانیم امروز شروع خوبی برای این مسئله مهم خدمت دوستان داشته باشیم.

۲. میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ راهکارهای فقهی برای عبور از مشکلات حال حاضر کشور

به نظر بنده میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی که در واقع نه میز و حول نه نظریه است می‌تواند ساختار برنامه هفتم^۴ را نیز به لحاظ مفهومی لجستیک (پشتیبانی) کند. بنابراین اگر ان‌شاء‌الله شرح خوبی از این نظریات فقهی محضر دوستان ارائه شود و در مرحله بعد بتوانیم یک گفتگوی ملی حول این نظریات راه‌اندازی کنیم، شاید اندکی توانسته باشیم انتظار انقلاب اسلامی از حوزه‌های علمیه را پاسخ داده باشیم.^۵

۲/۱. وجود ظرفیت پشتیبانی مفهومی از برنامه هفتم؛ یک نمونه از کارکردهای تصمیم‌سازانه میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی

۲. پوزیتیویسم، در فلسفه غرب به طور کلی به هر سیستمی که خود را محدود به داده‌های تجربی کند و معرفت‌های پیشینی [چیزی شبیه به علم حضوری] یا متافیزیکی را حذف کند گفته می‌شود.

Positivism, in Western philosophy, generally, any system that confines itself to the data of experience and excludes a priori or metaphysical speculations

آدرس مطلب در پایگاه رسمی دایره المعارف بریتانیکا: yon.ir/qzN0P

۳. آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام: اگر شما جوان‌ها ان‌شاء‌الله با این حرکت‌ها پیش بروید و زمینه را برای روی کارآوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصه‌های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصه‌ها هم البته فقط مخصوص شماها نیست.

بیانات معظم له در دیدار دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

۴. برنامه سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ کشور.

۵. امروز هم که بحمدالله نظام اسلامی به وجود آمده، تشکیل شده، ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی و سپس تمدن اسلامی به معنای حقیقی به وجود بیاید، حوزه‌ی علمیّه مسئولیت‌های متناسب با این کار بزرگ را دارد، باید انجام بدهد. چه کار باید بکنید؟ باید بنشینید فکر کنید دیگر؛ اینها جزو آن موضوعات و مباحث فکری شما است.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۹۸/۲/۱۸

من برای اینکه این مسئله را محضر دوستان شروع کنم مقدمه‌ای عرض کنم. ما در مباحثات نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی با نه دسته تعریف رو به رو هستیم و این نه دسته تعریف به محوریت نه اصطلاح و نه مفهوم مادر در واقع ادعای طراحی نظام برنامه‌ریزی دولت اسلامی^۶ را دارد. بنابراین تاکید بنده در این جلسات شرح این نه دسته مفهوم است. البته دوستانی که با ادبیات الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت آشنا هستند می‌دانند که مبتنی بر این نظام تعاریف، نظام تصاویر و نظام تصمیماتی نیز مطرح شده است ولی به دلیل این که در حال شروع بحث هستیم و در آینده نیز جلساتی خواهیم داشت در این جلسه تنها نظام مفاهیم نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت را خدمت دوستان معرفی می‌کنم. این نه مفهومی که الآن راجع به آن صحبت می‌کنم همان مفهومی است که ادعا کرده‌ایم که می‌توان به وسیله آن برنامه‌ریزی اسلامی را محقق کرد و یا لااقل گام اول آن برنامه‌ریزی را محقق کرد. ان‌شاءالله بعداً که مباحث را تفصیلی مطرح کردیم مبتنی بر آن نه دسته مفهوم، نظام تصاویرها و تصمیمات را نیز ارائه خواهیم داد. بنابراین انتظارتان از جلسه در حد بخش اول الگوی ساخت (یعنی بیان تعریفات) باشد تا بتوانیم یک تفاهم اولیه‌ای را انجام دهیم.

۲/۲. مفهوم مادر نظریات مطرح در میزهای تخصصی نه گانه نمایشگاه چیست؟

بنده عناوین این نظریات را می‌خوانم و مفاهیم مادر آنها را شرح می‌دهم؛ میز اول نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی، میز «الگوی ساخت» است. الگوی ساخت بر اساس یک مفهوم مادر به اسم «نظم اختیاری» طراحی و تعریف شده است که ان‌شاءالله در شرح تفصیلی، مفهوم نظم اختیاری را توضیح خواهم داد.

میز دوم نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی به نظریه الگوی جدید نگاهی از نظام اختصاص دارد. ۲/۲/۲. میز دوم نظام دولت آینده جمهوری اسلامی اگر می‌خواهد دولت اسلامی باشد، می‌بایست نگاهی از نظام را با یک الگوی جدیدی جلو ببرد و بنابراین این میز از یک اهمیت بالایی برخوردار است. مفهوم مادر الگوی جدید نگاهی از نظام مفهوم «نظام مقایسه» است. بنابراین مفهوم نظام مقایسه هویت نظام

۶. بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما- یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، که مجموع این‌ها دولت اسلامی است- سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز ننگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم ننگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروائی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت این‌ها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم‌به‌قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایداری خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۸/۶

دولت اسلامی را در آینده تعریف خواهد کرد و بخش مهمی از هویت انقلاب اسلامی در آینده خواهد بود.

۲/۲/۳. (میز سوم) رزق؛
مفهوم مادر نظریه تعریف
(نظریه - حوزة محرومیت زدایی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است. مفهوم مادر این نظریه مفهوم «رزق» است. به محوریت اصطلاح رزق سعی کرده‌ایم مفهوم محرومیت را باز تعریف کنیم.
محرومیت زدایی)

۲/۲/۴. (میز چهارم)
هدایت؛ مفهوم مادر نظریه
هسته‌های توازن فرهنگی
میز چهارم نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی به «نظریه هسته‌های توازن فرهنگی» اختصاص دارد. در این میز به محوریت مفهوم «هدایت» معضلات و عدم توازن‌های کشور را شناسایی کرده و بعد برای آن ارائه راه حل و طریق داریم. بنابراین نظریه هسته‌های توازن فرهنگی که آن را شرح خواهیم داد، مفهوم مادر آن مفهوم هدایت است، منتهی اثر مسئله هدایت را در اداره جامعه بحث می‌کند. مسئله هدایت یک اصطلاح دینی ذوابعاد است و ما در نظریه هسته‌های توازن فرهنگی کارکرد هدایت را در تشخیص معضلات اجتماعی و یا به تعبیر اصطلاح رایج حوزة برنامه‌ریزی «تشخیص عدم توازن‌ها»^۷ به کار گرفتیم.

۲/۲/۵. (میز پنجم)
کارکرد تربیتی نهاد
خانواده؛ مفهوم مادر
نظریه آموزش و پرورش
آینده
میز پنجم در نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی میز «نظریه آموزش و پرورش آینده» است. مفهوم مادر این نظریه که در حوزة آموزش و پرورش مشغول تصمیم‌سازی است، «کارکرد تربیتی نهاد خانواده» است؛ یعنی ما در نظریه آموزش و پرورش آینده خانواده را از حالت «هسته‌ای»^۸ به خانواده‌هایی که «کارکرد آموزشی و تربیتی» دارند، تبدیل کرده‌ایم؛ یعنی مفهوم خانواده را از درک مدرن فعلی‌ای که متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران جا افتاده است ارتقاء داده‌ایم.

۲/۲/۶. (میز ششم)
محله؛ مفهوم مادر نظریه
مدیریت شهری
محله محور
میز ششم به «نظریه مدیریت شهری محله محور» اختصاص دارد. ما در این میز مسئله مدیریت شهرها صورت اسلامی را به‌توریزه کرده و راجع به آن بحث می‌کنیم. مفهوم مادر این میز، مفهوم «محله» است. سعی کرده‌ایم این مفهوم را حداقل بر اساس چهار دسته از روایات (روایات

۷. برای مشاهده کاربست این اصطلاح در ادبیات برنامه‌ریزان، ر. ک پیوست ۱.

۸. خانواده هسته‌ای که خانواده ابتدایی نامیده می‌شوند، در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، گروهی از افراد هستند که با رابطه شراکت (جنسی) و یا پدر و مادری قوام یافته و متشکل از یک جفت بزرگسال و فرزند رسمی اجتماعی خودشان است.

Nuclear family, also called elementary family, in sociology and anthropology, a group of people who are united by ties of partnership and parenthood and consisting of a pair of adults and their socially recognized children

آدرس مطلب از دایره المعارف بریتانیکا: ytre.ir/ogprfc

مربوط به خانواده، همسایه، مسجد و امنیت) باز تعریف کنیم که آن را شرح خواهم داد. حداقل با استفاده از این دسته از روایات مفهوم محله را باز تعریف کرده ایم که شرح خواهم داد.

میز هفتم در نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی میز معرفی نقشه راه است. اگر می خواهیم دولت سازی داشته باشیم باید دائماً راجع به نقشه راه دولت سازی نیز گفتگو داشته باشیم. الآن متأسفانه به دلیل عدم همت نیروهای انقلاب تنها واژه دولت سازی تکرار می شود و در مورد اینکه نقشه راه دولت سازی چیست یک بحث تفصیلی وجود ندارد. ما به محوریت این میز و بر اساس تعریف پایه شاخصه های ارزیابی از نظر اسلام نسبت به مسئله دولت سازی درک ایجاد می کنیم که ان شاء الله این مطلب را نیز شرح خواهم داد. بنابراین مفهوم مادر در این میز، «شاخصه های ارزیابی اسلامی» است که قبلاً عرض کردیم. شاخصه مادر در اسلامیت «رفق × رشد × توازن» است که این مسئله را نیز شرح خواهم داد.

میز هشتم نیز میز «مدرسه هدایت» است. مفهوم مادر در میز مدرسه هدایت، «مدیریت اختیاری دوران تحصیل» است. در روایات و آیات ما نهی شده است که انسان مدیریت علم آموزی خود را به دیگران تحمیل کند.^۹ حال اینکه اگر کسی خواست مدیریت اختیاری دوران تحصیل خود را داشته باشد چطور عمل کند، [در این میز بحث شده است].

و در نهایت میز آخر، میز «گزارش های راهبردی» است. در گزارش راهبردی در واقع یک ارزیابی ای راجع به جریان اسلامیت در یک مسئله انجام می دهیم [و آن را در قالب مکتوبی فنی ارائه می کنیم]. مفهوم مادر در این ارزیابی مفهوم «تَدَبُّر» است که ان شاء الله این را شرح خواهم داد. بنابراین خلاصه عرض ما این است که مفهوم دولت سازی در آینده حداقل به سه دسته مفهوم نیاز دارد.

این سه دسته مفهوم عبارت از مفهوم «نظم اختیاری»، «نظام مقایسه»، «رزق»، «هدایت»، «خانواده»، «محله»، «شاخصه های ارزیابی اسلامی»، «مدیریت اختیاری دوران تحصیل»

۹. سوره مبارکه عبس آیه ۲۴: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»

پس انسان باید به خوراک خود با تأمل بنگرد. [ترجمه انصاریان]

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» قَالَ قُلْتُ مَا طَعَامُهُ قَالَ عَلِمَهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ.

زید شحام از امام باقر در باره گفتار خدای عز و جل [۲۴ سوره عبس] باید انسان بخوراک خویش نظر داشته باشد، پرسید معنی خوراک چیست؟ فرمود: علمی را که فرا میگیرد نظر کند از که فرا میگیرد. [زیرا علم غذای روحست و خویش موجب صحت، و بدش باعث مرض روح میگردد.] [ترجمه مصطفوی]

و «تدبیر» است. بنابراین تفاوت مباحثاتی که ما در الگوی پیشرفت اسلامی ارائه می‌دهیم یک قدم با عریضی که بنده در اینجا مطرح کردم وضوح پیدا می‌کند. ما فکر می‌کنیم که اگر طراحان برنامه‌های آینده مثل برنامه هفتم کشور و بودجه سال ۱۳۹۹ و بودجه سال ۱۴۰۰ و برنامه‌های استان‌ها و گزارشاتی که دستگاه‌ها برای ارزیابی و تئوریزه کردن پیشرفت می‌نویسند، این نه دسته مفهوم را نبینند، [طراحی‌هایشان] اسلامی نخواهد بود و اسلامیت در آن جریان پیدا نخواهد کرد. اگر این نه دسته مفهوم در مباحثات دولت‌سازی ورود پیدا کرده و بحث شود یک گام بزرگ در راستای اسلامیت برداشته خواهد شد. ممکن است کسی بگوید ما مفاهیم بیشتری را در حوزه برنامه‌ریزی نیاز داریم. این حرف پسندیده است اما این نه دسته مفهوم فقهی می‌تواند ما را یک قدم در حوزه برنامه‌ریزی جلو ببرد.

پس برای اولین بار، یک مجموعهٔ حوزوی ورود پیدا کرده و نه دسته مفهوم فقهی با کارکرد آن را در حوزه برنامه‌ریزی بحث کرده است. عرض کردم از نظر الگوی ساخت کارکرد و کاربردی کردن مفاهیم فقهی به معنای دو چیز است؛ اول ارائهٔ تصویر از یک مفهوم و دوم ارائهٔ نظام تصمیمات بر اساس آن مفهوم.

ما کاربرد را تصرف در طبیعت نمی‌دانیم. مثلاً اگر کسی گفت من می‌خواهم یک مفهوم فقهی را کاربردی کنم ما به او می‌گوییم که نظام فوائد یا همان تصویر این تعریف فقهی را برای مردم بحث کن. کسی که بتواند نظام فوائد یک تعریف فقهی را برای زندگی مردم تشریح کند، در واقع توانسته است یک قدم تعریف فقهی را کاربردی کند. یک معنای خاصی از کاربرد را در نقشهٔ الگوی پیشرفت اسلامی اخذ کرده‌ایم.^{۱۰} این اولین گام از کاربردی کردن مفاهیم فقهی است. گام دوم کاربردی کردن مفاهیم فقهی این است که نظام اقدامات و تصمیماتی را که آن تصویر را عملیاتی می‌کند تشریح کنید. حالا ما گفته‌ایم که این نه دسته مفهوم در نزد ما و در نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی، نه بسته تعریفی ارائه می‌دهد یعنی نه دسته نظام فوائد بر این تعاریف فقهی بار می‌شود. وقتی شما نظام فوائد فقهی خود را برای مردم بحث کنید به این معناست که با مردم ارتباط گرفته‌اید و حول تعریف فقهی خودتان مشارکت ایجاد می‌کنید. سپس در گام بعد نظام تصمیمات و اقداماتی را که آن تصویر را عملیاتی می‌کند بحث می‌کنید. پس نه دسته مفهوم داریم که این نه دسته مفهوم را به ترتیب با دو مرحلهٔ تصویر و تصمیم در برنامه‌ریزی کشور به کارگیری کرده و یک نظام برنامه‌ریزی جدیدی را در ایران و جهان پایه‌گذاری می‌کنیم. این کلیات مباحثات ماست. هر چند نیروهای انقلاب دائماً بگویند که ما در مرحلهٔ دولت اسلامی هستیم و یا بگویند که ما الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را نوشته‌ایم ولی اگر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفتی که پیشنهاد می‌کنند از تغییر در تعاریف نظام برنامه‌ریزی شروع نشود، ممکن است بعدها برای ما چالش ایجاد کند.

۲/۳. ارائهٔ تصویر و
تصمیم؛ راهکار کاربردی
کردن تعاریف فقهی
ارائه‌شده در هر نظریه

۲/۳/۱. انحلال در
تعاریف تفصیلی رقیب؛
نتیجهٔ کلی‌گویی در حوزه
برنامه‌ریزی

۱۰. برای توضیح معنای مختار از حجیت و همچنین مقایسه با نظریات بعضی از فضلاء معاصر، ر.ک پیوست ۲.

کلی‌گویی در حوزه برنامه‌ریزی چالش ایجاد خواهد کرد؛ چالش آن چیست؟ چالش آن انحلال در تعاریف تفصیلی موجود است. هرکس کلی‌گویی کند در نهایت یک تعریف تفصیلی، تعریف او را می‌بلعد. بنابراین در نهایت آقایانی که در رابطه با مرحله سوم انقلاب اسلامی کلی‌گویی می‌کنند، نمی‌توانند مرحله سوم انقلاب اسلامی را محقق کنند. هم‌کذا این داستان در مورد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هم همین‌گونه است. چاره کار از ارائه نظام مفاهیم جدید عبور می‌کند. بنابراین بنده در این جلسه شروع کرده‌ام نظام مفاهیم جدیدی را که قبلاً برای برنامه‌ریزی آینده کشور بحث کرده‌ایم و الآن کتب آن در دسترس است را محضر دوستان گزارش بدهم.

پس می‌توانیم با تمام نهادهای دانشگاهی ارتباط بگیریم، زیرا ما براساس یک تعریف جدید ورود پیدا کرده‌ایم. این نه نظریه می‌تواند از حیث تعریف با نه نظریه رقیب توازن و مواجهه نرم ایجاد کند. بنابراین شروع تصمیم‌سازی اتفاق خواهد افتاد؛ چون شما با تعاریف جدید روبه‌رو هستید.

قبل از اینکه این نه نظریه را شرح دهم یک جمله‌ای هم داخل پراتز عرض کنم؛ بنده گاهی می‌گویم نه مفهوم و گاهی هم می‌گویم نه دسته مفهوم، هر دو هم درست است. مثلاً وقتی مفهوم نظم اختیاری را اخذ می‌کنید، مفاهیم هم‌خانواده‌ای هم دارد؛ بنابراین عبارت نه دسته مفهوم درست است، وقتی هم گفته می‌شود نه مفهوم، مراد از آن «اصطلاح رئیسه» آن نظریه است که راجع به آن بحث خواهیم کرد.

۳. الگوی ساخت؛ نظریه مرتبط با نظام‌سازی اختیاری (مناسب برای برنامه‌ریزی دستگاه‌ها و سازمان‌های کشوری)

حالا برگردیم و بحث را شرح دهیم و ان‌شاء‌الله یک گام مثبت برداریم. اولین اتفاقی که باید در نظام برنامه‌ریزی کشور بیافتد - و ان‌شاء‌الله خواهد افتاد - این است که الگوی برنامه‌ریزی دستگاه‌های کشور از الگوهای راهبردی موجود به یک الگوی فقهی تغییر پیدا کند. الآن دستگاه‌ها بر اساس مدل‌های آینده پژوهی، برنامه‌ریزی راهبردی دستگاه خودشان را می‌نویسند، مثلاً بر اساس ماتریس SWOT^{۱۱} می‌نویسند. اگر فرض کنیم که از ماتریس SWOT استفاده کنند، نقطه شروع کار آنها بر اساس تهدید و فرصت و ضعف و قوت است.

ما به عنوان مثال دو اشکال به ماتریس SWOT وارد کردیم و یک الگوی جدیدی را بر اساس یک مفهوم جدید بحث کرده‌ایم. اولین اشکالی که وارد کرده‌ایم این است که خروجی ماتریس SWOT یک ادبیات تربیتی نیست؛ درحالی که شما وقتی دارید با افراد جامعه صحبت می‌کنید، حتماً باید ادبیات شما حیث تربیتی داشته باشد. وقتی با اختیار و انسان رو به رو هستید و می‌خواهید برای این انسان برنامه‌ریزی کنید، اگر ادبیات تربیتی و محرک انگیزه و -به اصطلاح انبیا- بعث آفرین برنامه‌ریزی راهبردی

۱۱. مدل SWOT یکی از ماتریس‌های بررسی محیط داخلی سازمان برای شناسایی نقاط ضعف و قوت آن است. در این ماتریس چهار مفهوم نقطه قوت (S)، نقطه ضعف (W)، فرصت (O)، تهدید (T) مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای اطلاع بیشتر این موضوع به فصول پنجم و ششم کتاب نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک نوشته علی احمدی مراجعه کنید.

نباشد، مجبور می‌شوید از ادبیات حقوقی و جبری برای برنامه‌ریزی مجموعه‌تان استفاده کنید یا از یک ادبیات کینزی^{۱۲} و فارونی که بر محور تحریک حرص است، استفاده کنید. حالا شما فرض بفرمایید که یک دستگاهی ابتدا تهدیدهای دستگاه خودش را بحث می‌کند و بعد فرصت‌های پیش روی دستگاه خودش را بحث می‌کند و در آخر هم ضعف و قوت دستگاه خود را بحث می‌کند. همینکه یک دستگاه از «بیان تهدیدها» شروع می‌کند، در واقع از القای رُعب شروع کرده است. وقتی دستگاهی بر اساس فرصت‌ها بحث خود را شروع می‌کند، با ادبیات موجود یعنی بر مبنای تحریک حرص و فرصت‌های مادی گفتگوی خود را شروع می‌کند. حالا این تهدید و فرصت یا تهدید و فرصت وزارت دفاع است یا تهدید و فرصت وزارت ارشاد یا اصل نظام مبارک جمهوری اسلامی یا هر دستگاه دیگری است. اساساً چارچوب تهدید-فرصت-ضعف-قدرت چارچوب تربیتی و امیدآفرین نیست. کسی که می‌خواهد با اختیارها - به قید اینکه اختیار را به چالش نکشد - برنامه‌ریزی را شروع کند نمی‌تواند از دوگانه تهدید-فرصت شروع کند؛ یعنی از دوگانه تحریک حرص و ایجاد رُعب بحث را شروع کند. این ادبیات، ادبیات بعث‌آفرین نیست. تازه ضعف و قدرت را هم با تهدید و فرصت می‌سنجند، یعنی در معنا استقلال ندارد؛ پس دو معنا در ماتریس SWOT داریم؛ اساساً دوگانه آن، دوگانه تهدید و فرصت است و فضای کشور را امنیتی می‌کند. فرض کنید همه دستگاه‌ها با استفاده از ماتریس SWOT دائماً صحبت از تهدیدها و فرصت‌ها کنند، چه تاثیری بر فضای عمومی کشور می‌گذارد؟! فرض کنید اخباری که تولید می‌شود دائماً یا تمرکز بر بیان تهدیدها یا فرصت‌ها داشته باشد - ولو اینکه بگویند ما تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کنیم - اساس این ادبیات، ادبیاتی است که میان حکومت و افراد رُعب ایجاد می‌کند. درحالی که وقتی می‌خواهید جامعه را بر مبنای اختیار منظم کنید، باید چارچوب ادبیات سازی شما، چارچوبی بعث‌آفرین باشد. به هر حال بحث بنده این است که کسی که ماده کلام خود را در ماتریس SWOT می‌ریزد و بحث می‌کند، این باعث ایجاد بعث و امید در اختیار نمی‌شود. این نوع ادبیات، تحرک‌آفرین نیست، بلکه نکث‌آفرین است و توقف ایجاد می‌کند.

۳/۲. جمع میان مفهوم اختیار و نظم؛ ویژگی نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی و به تبع آن نظریه الگوی ساخت

پس ماتریس SWOT را بر مبنای نظم اختیاری ارزیابی کردیم. چون احتمالاً می‌دانید که یک دوگانه‌ای وجود دارد که دانشمندان غربی هم خیلی آن را بحث کرده‌اند و نتوانستند آن را حل و فصل کنند. آن دوگانه این است که بالاخره جامعه نظم می‌خواهد، آدم‌ها هم اختیار دارند، حالا چگونه نظم ایجاد کنیم که هم اختیارها به چالش کشیده نشود - یعنی اختیار از اختیاریت نیافتد - و هم با به رسمیت شناختن اختیارها جامعه به آنارشیسم (بی‌نظمی) کشیده نشود؟^{۱۳} معمولاً نظریات حوزه

۱۲. جان مینارد کینز (۱۸۸۳-۱۹۴۶م)، اقتصاددان انگلیسی قرن بیستم است. از کتاب‌های او می‌توان به «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» که تاثیر بسیاری بر اقتصاددانان پس از او گذاشت اشاره کرد.

۱۳. جان رالز (John Rawls) فیلسوف آمریکایی معاصر به دلیل صورت‌بندی «نظریه عدالت» مشهور بود. وی از چهره‌های به نام فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق در سده بیستم است. او در ابتدای کتاب مذکور در پی ارائه یک نظریه جامعه اخلاقی است که مبنای نظام اجتماعی قرار گیرد، اما این تنها تلاشی است برای حل معضلات لیبرالیسم که در نهایت منجر به یک نظام اجتماعی اختیار محور نشده و پر از تناقضات باقی می‌ماند.

برنامه‌ریزی را که نگاه می‌کنید، یا به بهانه نظم، اختیارها را به چالش می‌کشند یا به بهانه اختیار، نظم را به چالش می‌کشند. یک دعوای مفهومی پررنگی است که در ادبیات حوزه سیاسی و برنامه‌ریزی وجود دارد. تا وقتی در مبنا نتوانید جمع بین نظم و اختیار را حل و فصل کنید، بعداً نمی‌توانید نظم اختیاری در ساختارها ایجاد کنید. در نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی^{۱۴} چگونگی جمع میان نظم و اختیار را بحث کردیم. بنده هم به نظریه مادر ارجاع می‌دهم تا دیگر مجبور به شرح آن نشوم.

در الگوی برنامه‌ریزی مبتنی بر نظم اختیاری گفته‌ایم که هر مجموعه‌ای باید سه «ت» داشته باشد؛ «ت» تعریف، «ت» تصویر و «ت» تصمیم. فرض بفرمایید که مثلاً وزارت نفت بخواهد بر اساس الگوی ساخت برنامه‌ریزی کند، ابتدا می‌گوییم باید نفت را تعریف کند، بعد تصویر نفت را بگوید و در آخر هم نظام تصمیمات برای استحصال نفت را بحث کند. حالا از مثال وزارت نفت به مثال حوزه علمیه بیاییم، مثلاً معاونت تبلیغ حوزه می‌خواهد برنامه‌ریزی کند؛ ابتدا باید تبلیغ را تعریف کند، بعد تصویر تبلیغ را بگوید و در آخر هم نظام تصمیمات تبلیغ را بگوید.

پس در برنامه‌ریزی باید نقطه شروع را ارائه تعریف آن موضوعی که سازمان حول آن شکل گرفته است، قرار داد. استدلال کرده‌ایم که اگر کسی در تعریف دو قید را به کار بگیرد، تعریف او به پذیرش اختیاری انسان‌ها می‌رسد و دیگر لازم نیست با قانون و تحریک حرص، آن برنامه را مبنای عمل قرار دهد. بنابراین اگر کسی این دو شرط را لحاظ کند، حتی اگر شما بگویید آن موضوع نفت باشد. یعنی آن سازمانی که تشکیل شده است، حول موضوعی مثل نفت شکل گرفته باشد. آن دو شرط عبارتند از اینکه تعریف باید «تناسب با فطرت» داشته باشد و دوم اینکه «تمایل به غایت» داشته باشد. در این صورت این تعریف «بعث» ایجاد می‌کند. وقتی حیث تناسب با فطرت را بررسی می‌کنید؛ یعنی روی فطرت انسان‌ها و نیاز انسان‌ها دست گذاشته‌اید. پس اولین شرط ایجاد بعث را لحاظ کرده‌اید.

مقدمه مترجمان: ... رالز در پی ارائه یک نظریه اخلاقی جامع است که مبنای نظام اجتماعی قرار گیرد و فضیلت اجتماعی عدالت را به ارمغان آورد. رالز مطرح می‌کند که من در این کتاب می‌خواهم پایه اخلاقی جدیدی را برای جوامع لیبرال دموکراسی معاصر تدوین کنم. متن کتاب رالز: ... قوانین و نهادها هر قدر کارآمد و منظم باشند، در صورت حاکم نبودن عدالت در آن‌ها تغییر یافته و یا نابود خواهند شد ... عدالت این مسئله را نفی می‌کند که با فقدان آزادی عده‌ای، تعدادی از افراد از منافع بیشتری بهره‌مند شوند. عدالت، قربانی شدن عده‌ای را در قبال کسب منافع بیشتر برای تعدادی از افراد مجاز نمی‌داند ... لذا در جامعه‌ای عادل، آزادی‌های برابر شهروندی مسأله‌ای است که وجود دارد. کتاب نظریه عدالت؛ ترجمه علیرضا اسدیپورتهرانی و حسین اعلامی، مقدمه و فصل اول، نقش عدالت

۱۴. نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز، نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی است که در آن پردازش سه زیرساخت هدایت نظامات ذهنی (سه موضوع جهت‌ساز) به عنوان راهکاری برای جمع میان دو مفهوم اختیار و نظم ارائه شده است.

برای مطالعه تفصیلی این نظریه به جزوه «نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی» بحث شده در شهرستان ورامین در سال ۹۴ و مطلب تبیین اجمالی nro-di.blog.ir/ مادر الگوی پیشرفت اسلامی در پایگاه نقشه راه رجوع کنید: ۰۹/۰۵/۱۳۹۳

۳/۳. ارائه تعریف، تصویر و تصمیمات متناسب با سازمان؛ اقدام مورد نیاز برای برنامه‌ریزی بر اساس الگوی ساخت

۳/۳/۱. رعایت دو شرط «تناسب با فطرت» و «تمایل به غایت» در بخش تعریف از الگوی ساخت؛ ضامن به پذیرش رسیدن برنامه به صورت اختیاری و بدون تحریک مبتنی بر جبر یا حرص

در حالی که وقتی از ماتریس SWOT استفاده می‌کنید - البته توجه دارم که هر سازمان و نهادی بالاخره یک تعریفی دارد - به جهت اینکه تناسب با فطرت را بحث نکرده است از همان تعریف پایه، ارتباطش با مردم قطع است. در حالی که وقتی شما قید تناسب با فطرت را در تعریف خود قرار می‌دهید، یعنی ارتباط خود را با مردم برقرار کرده‌اید و ارتباط با نظام‌سازی را لحاظ می‌کنید. قید دوم بسیار اَوْقَع فِي النَّفُوسِ (نافذتر در جان‌ها) است. قید دوم می‌گوید که تعریف باید تمایل به غایت داشته باشد. هر کسی یک آینده بهجت آفرین را در مقابل انسان قرار دهد، توانسته است بعث، امید و رونق ایجاد کند. حالا شما فکر کنید دستگاه‌های جمهوری اسلامی از سال ۱۴۰۰ به بعد این کار را بکنند. هر کسی هر موضوعی که مأموریت او، پرداختن به آن است، آن موضوع را متناسب با فطرت و تمایل به غایت تعریف کند؛ یعنی همین که دستگاه‌ها خود را تعریف می‌کنند، امیدآفرینی و مشارکت ایجاد می‌کنند.

الآن چگونه است؟ در حال حاضر دستگاه‌ها بر اساس این شرط خود را معرفی نمی‌کنند؛ بلکه از روابط عمومی و ابزار رسانه استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند خود را به پذیرش مردم برسانند و چون ماهیت تعریف تناسب با فطرت و تمایل به غایت ندارد، رسانه مجبور می‌شود که غلو کند. مثال مهم این مسئله، تبلیغات مواد غذایی است. تقریباً تمام تبلیغاتی که صدا و سیما برای به پذیرش رساندن محصول یک شرکت ارائه می‌کند همه بر اساس غلو و دروغ است. مثلاً از دروغ‌های مهم این است که می‌گویند در این مواد غذایی مواد نگهدارنده نیست! چرا به این بلا مبتلا می‌شوند؟ چرا برای ایجاد مشارکت، بازاریابی و به پذیرش رساندن مجبور می‌شوند از جنس مؤنث استفاده کنند؟ به علت اینکه مسئول آن سازمان و شرکت از اساس تعریف خود را متناسب با فطرت و تمایل به غایت تعریف نکرده است. پس الگوی ساخت شروع می‌کند از همان اول این مشکل را حل کند. از تعاریف شروع می‌کند. این به کارگیری الگوی ساخت یک فطانت فقهی نیاز دارد. اگر یک وقتی درباره وزارت نفت بحث کردیم، ممکن است سؤال شود که تعریف نفت را متناسب با فطرت و تمایل به غایت چگونه است؟ آن وقت، اینجاست که تعاریف و دستگاه‌های پوزیتیویستی علیل می‌شوند. تا الآن که چنین دستگاهی نبوده است و قرار بوده است بر همین مبنا عمل کند، معادله بیوشیمی نفت را می‌آورند، ترکیبات نفت را ذکر می‌کردند. چرا؟ به علت اینکه تنها قید تصرف در طبیعت را در تعریف لحاظ کرده است. حالا شما به ما می‌گویید در دستگاه خودتان آن را تعریف کن.

نفت در دستگاه ما، جزو انفال است.^{۱۵} «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»^{۱۶} این انفال ساخت بر وزارت نفت: نیز ابزار اصلاح ذات البین می‌شود.^{۱۷} ببینید نسبتش با روابط انسانی تعریف می‌شود. جنگل، کوه،

۱۵. برای مشاهده معنای فقهی انفال ر.ک پیوست ۲.

۱۶. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ / انفال، ۱۰.

بیابان و رودخانه‌ها همه این‌ها از مصادیق تعریف انفال است و قرآن در اول سوره انفال می‌فرماید انفال در اختیار خدا و رسول ﷺ است برای اینکه اصلاح ذات البین محقق شود. ساختار اصلاح ذات البین را هم در روایات بحث می‌کند. بنابراین وقتی کسی به جنگل نگاه می‌کند، به عنوان ابزار حل اختلاف بین انسان‌ها آترا می‌بیند. - تعریف از اول این است. در حالی که در وضعیت فعلی، اداره جنگلبانی برای روستاها حریم گذاشته است^{۱۸} و به اسم حراست از جنگل، در روستاها منع از چرا کرده است؛ یعنی یکی از مشکلاتی که در روستا داریم اینست که روستاییان نمی‌توانند در روستا خانه بهتر بسازند، چون محدوده روستا را برای آن‌ها معلوم کرده‌اند. حتی از چراگاه‌ها نمیتوانند استفاده کنند، چون وزارتخانه مربوطه آمده و گفته است که باید مجوز چرا بگیرید^{۱۹} - به اسم اینکه می‌خواهیم جنگل‌ها را حفظ کنیم - بنابراین اگر تعریف ما را بپذیرید مثلاً استفاده اختیاری از جنگل‌ها با قید حفظ مبنا می‌شود. به خود مردم می‌گوییم که با قید حفظ از جنگل‌ها استفاده کنید. نه اینکه استفاده مردم را به بهانه حفظ جنگل‌ها منع کنیم. حال این مثال را زدیم برای اینکه شاید بعید به نظر می‌رسید. ممکن است کسی بگوید نفت را چگونه متناسب با فطرت، متمایل به غایت تعریف میکنیم؟ [پاسخ این مسئله] در همین اول سوره انفال هست. غایتش این است که امامت را تقویت می‌کند. انفال، حساب مالی امام عَلَيْهِ السَّلَام است و در دوره غیبت، حساب مالی فقیه می‌باشد. پس جهتش اینست که تصرفی به امام جامعه می‌دهد. حیث تناسب با فطرت هم اینست که اصلاح ذات البین در آن است. تعریف [فقهی] از مسئله نفت، جنگل و ... - که ممکن است الان هیچ بحثی در رابطه با آن نشده باشد - ، این دو قید را می‌توان رعایت کرد تا حوزه تبلیغ، خانواده و ... که مسئله در آنها خیلی واضح‌تر است.

پس دولت آینده باید نظم اختیاری ایجاد کند. نظم اختیاری هم آنگاه ایجاد خواهد شد که نظام تعاریف موضوعات مأموریت دستگاه‌ها تغییر کند. اسلامی شدن از این جا شروع می‌شود. نمی‌شود که بالای سر در مجلس شورای اسلامی، کلمه اسلامی نوشته شود، ولی نسبت قانون با فطرت و با اسلام (مانند نفی سیل، علم صحیح، عبرت)

از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد] می‌پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را [با آن] اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. [ترجمه انصاریان با تصرف] همان. ۱۷.

۱۸. قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها: ماده ۳ - محدوده روستا عبارت است از محدوده‌ای شامل بافت موجود روستا و گسترش آتی آن در دوره طرح هادی روستایی که با رعایت مصوبات طرح‌های بالادست تهیه و به تصویب مرجع قانونی مربوط می‌رسد. دهیاری‌ها کنترل و نظارت بر احداث هرگونه ساخت و ساز در داخل محدوده را عهده‌دار خواهند بود.

۱۹. تعلیف دام در جنگلها، مراتع و آبخیزها مستلزم أخذ پروانه چرا می‌باشد و پروانه‌های صادره در صورتی دارای اعتبار است که صاحب پروانه به شغل دامداری مشغول بوده و امتیاز پروانه چرای دریافتی را بدون أخذ مجوز قانونی به غیر واگذار نکرده باشد. مرجع اعطاء مجوز، ابطال و انتقال پروانه چرا، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری و ادارات تابعه در استانهای کشور می‌باشد.

متن قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ از سایت مرکز پژوهش‌های مجلس: b2n.ir/908122

غایت مشخص نباشد. پس در دستگاه دولت اسلامی آینده، تعریف قانون باید تغییر کند. ممکن نیست بگوئید فلان وزارت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، اما موضوعش تناسب با فطرت و تمایل به غایت نداشته باشد. حالا من دیگر نمی‌خواهم الگوی ساخت را توضیح بدهم.

از نظر فقه اسلام نه غایت بهجت‌آفرین وجود دارد.^{۲۰} مثلاً یکی از غایت‌ها نفی سبیل است. وقتی به مردم بگوئید ما این کار را می‌کنیم و نتیجه‌اش اینست که جلوی تصرف دشمن را می‌گیرد و امنیت ایجاد می‌شود، این، برای آن‌ها بهجت‌آفرین است. وقتی در قید تمایل به غایت، غایت را متمایل به امنیت می‌کنید، بهجت‌آفرین است. یا هنگامی که به زیر ساخت علم می‌رسانید (مثلاً می‌گوئید غایت موضوع من این است که علم جامعه بالا می‌رود) یا هنگامی که به زیرساخت عبرت می‌رسانید. (عبرت به معنای پشیمانی قبل از انجام است)، [در مخاطب انگیزه همکاری ایجاد می‌کند] همه بشر - به جز تابعین دستگاه انبیا - باید کاری را انجام دهند و بعد یا پشیمان شوند یا نشوند. در حالی که این از معجزات دستگاه پیامبران علیهم‌السلام است که قدرت این را دارد که با تکنیک‌هایی انسان‌ها را قبل از انجام کاری، وادار به عبرت کند. شما می‌دانید اگر کسی قبل از یک ازدواج نامناسبی، عبرت بگیرد، نتیجه‌اش این است که مال و عرض و سرمایه زندگی و جوانی او باقی مانده است. این بهجت‌آفرین است! اگر کسی بگوید من مثلاً از «گردشگری» تعریفی ارائه می‌دهم که «تمایل به غایت عبرت» است، این خیلی خوب است! الآن گردشگری را «تمایل به غایت ارزش افزوده» تعریف می‌کنند. تمام دستگاه‌های کارشناسی در این موضوع می‌گویند اگر گردشگری باشد، ما ارزش افزوده بیشتری ایجاد می‌کنیم.^{۲۱}

پس غایت هم نه بخش است که من بعضی از آن‌ها را برای شما مثال زدم. این الگوی ساخت است. پس من آرام آرام دارم نظام برنامه‌ریزی آینده را تصویر می‌کنم.

۳/۴. —از طراحی
مأموریت‌های دستگاه‌ها
بر اساس الگوی ساخت؛
گام نخست اصلاح نظام
برنامه‌ریزی کشور

می‌پرسند اصلاح در نظام برنامه‌ریزی را از کجا شروع می‌کنید؟ می‌گوئیم: با کارشناس‌های دستگاه‌ها می‌نشینیم و می‌گوئیم موضوع مأموریت خود را درست تعریف کن! تعریفی هم درست است که متناسب با فطرت و تمایل به غایت باشد. اگر اثر موضوع خود را در غایت‌های نه گانه بحث کنید، دیگر چه نیاز به تبلیغ‌های گسترده‌ای که دستگاه‌ها انجام می‌دهند؟ اگر اثر تعریف خود را بر فطرت بیان کنید، دیگر نیاز ندارید به مردم دروغ بگوئید!

۲۰. اشاره به نه زیرساخت هدایت (یا همان موضوعات جهت‌ساز): ۱- شناخت امام و الگو ۲- نگرش به علم ۳- تنظیم روابط بین الملل (نفی سبیل) ۴- شغل و معیشت ۵- نظم اجتماعی ۶- بیان ۷- پیشگیری از جرم (عبرت) ۸- تربیت و تزکیه ۹- شاخصه‌های ارزیابی.

۲۱. هم افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل و گردشگری، به ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین دستی آنها، با اولویت سرمایه گذاری در ایجاد زیربنایها و زیرساخت‌های مورد نیاز، و ساماندهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاست‌های آمایش سرزمین. چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

من وقتی در حوزه رسانه دقت می‌کنم، می‌گویند یک جنگ شناختی در جریان است.^{۲۲} پایه جنگ شناختی چیست؟ مگر نمی‌خواهد تعاریف و محاسبات شما را تغییر دهد؟ شما اگر در برنامه‌ریزی دستگاه‌هایتان، الگوی ساخت را بگذارید، آن‌ها هیچ‌وقت نمی‌توانند غایت شما و تناسب با فطرت را تغییر بدهند و در واقع جلوی جنگ شناختی را گرفته‌اید. الگوی ساخت کارکردهای فراوانی دارد؛ بنابراین یک دوره آموزشی برای معاونت‌های طرح و برنامه وزارتخانه‌ها برگزار می‌کنیم و یک نهاد مشاوره با کمک یک تیم طلبه ملاً برای آن‌ها درست می‌کنیم تا آن‌ها بتوانند موضوع دستگاه‌های خود را به صورت فقهی - متناسب با فطرت و متمایل به غایت - تعریف کنند. در چارچوب تولید موضوع و تولید ادبیات شما، دو قید مهم اخذ شده است. هر وزیری حرف بزند یا معاون وزیری کنفرانس خبری بگذارد و هر مقاله‌ای که نوشته شود، در همان ابتدای بحث «حیث تناسب با فطرت» و «تمایل به غایت» در آن بحث شده است. وقتی این دو حیث را حفظ کنید، معنای آن عبارت از این است که جلوی مدیریت جبری بر اساس روش کینزی و قارونی جامعه را گرفته‌اید! کینز هم مانند قارون می‌خواست بر اساس تحریک حرص جامعه را سازماندهی کند.^{۲۳} خود ما هم که درباره این صد نظریه الگوی پیشرفت اسلامی بحث می‌کنیم، همه آن‌ها را بر اساس الگوی ساخت بحث می‌کنیم؛ یعنی همه تعریف، تصویر و تصمیم دارند. همه تعریف‌های ما هم متناسب با فطرت و متمایل به غایت بوده و این دو قید در آن‌ها هست؛ به همین دلیل می‌توانیم با دستگاه‌ها و مردم ارتباط بگیریم.^{۲۴} آقایان به استنفورد^{۲۵} و کمبریج^{۲۶} و ماساچوست^{۲۷} می‌روند و مفاهیم آن‌ها را

۲۲. به گزارش روز چهارشنبه ۸ آبان ۱۳۹۸ انجمن سواد رسانه‌ای ایران، معصومه نصیری، قائم مقام انجمن سواد رسانه‌ای ایران معتقد است: «جنگ شناختی یکی از جدی‌ترین حوزه‌ها جهت تأثیرات آرام و خزنده بر سبک زندگی، نگرش و باور افکار عمومی است که در رسانه‌ها صورت می‌گیرد و بدون داشتن راهبرد رسانه‌ای دقیق در این نبرد مغلوب خواهیم بود».

آدرس مطلب از سایت انجمن رسانه ای ایران: b2n.ir/۴۷۲۵۹۷

۲۳. مینارد کینز: دست کم باید برای صد سال دیگر برای خود و هرکس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است و نیکی بدی است؛ زیرا بدی مفید است و نیکی نیست. حرص و طمع و ربا و محافظه‌کاری؛ باید هم چنان برای یک مدت کوتاه دیگر؛ خدایان ما باشند. زیرا فقط آن‌ها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک اقتصادی به روشنایی روز؛ رهنما شوند.

For at least another hundred years we must pretend to ourselves and to everyone that fair is foul and foul is fair; for foul is useful and fair is not. Avarice and usury and precaution must be our gods for a little longer still. For only they can lead us out of the tunnel of economic necessity into daylight.

مقاله وی با نام «Economic Possibilities for our Grandchildren» منتشر شده در سال ۱۹۳۰

۲۴. این بحث طولانی شد ولی ما باید بحث می‌کردیم. از کسانی که بعداً جلسه را می‌شنوند، عذرخواهی می‌کنم. به هر حال این ادبیاتی تخصصی است و باید مقداری در آن دقت شود. البته من سعی کردم خیلی ساده بگویم و چاره‌ای نیست.

انتقال از متن

۲۵. دانشگاه استنفورد یکی از مشهورترین دانشگاه‌های جهان است که در استنفورد، در نزدیکی شهر سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا کشور ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

۲۶. دانشگاه کمبریج در شهر کمبریج (بریتانیا) در کناره رودخانه کم، واقع شده است. این دانشگاه در سال ۱۲۰۹ تأسیس شده و دومین دانشگاه قدیمی در منطقه انگلیسی زبان و سومین دانشگاه قدیمی در جهان به‌شمار می‌آید.

۲۷. مؤسسه فناوری ماساچوست مشهور به «ام‌آی‌تی»، دانشگاه خصوصی واقع در شهر کمبریج، در ایالت ماساچوست آمریکا است، که دارای پنج دانشکده اصلی، یک کالج و ۳۲ گروه آموزشی می‌باشد. این دانشگاه معمولاً با نام اختصاری آن، یعنی «ام‌آی‌تی» (MIT) شناخته می‌شود.

می خوانند، باید قدری هم به قم بیایند و درس بخوانند تا بتوانند وزارتخانه و سازمان خود را درست اداره کنند.

بنابراین بحث چگونگی «محوریت نظم اختیاری» را در دولت آینده - که دولتی اسلامی باید باشد - بحث کردیم. من در این بخش الگوی ساخت را بحث کردم.

۴. الگوی جدید نگهبانی از نظام؛ نظریه حوزه اصلاح تعاریف غلط شیوع یافته در کشور

من از این به بعد خلاصه تر توضیح می دهم. نظریه بعدی، نظریه الگوی نگهبانی از نظام است؛ مفهوم مادر الگوی نگهبانی از نظام، «نظام مقایسه» است. عرض کردیم تعریف باید متناسب با فطرت و متمایل به غایت باشد. آن یک بحث بود. اینجا شما بحث جدیدی مطرح می کنید. می گوید همین اختیاری که قرار است در جامعه به کار گرفته شود، الآن یک تعاریف غلطی درباره آن در ذهن ها هست. شما نمی توانید به مردم بگویید تعریف غلط را امشب از ذهن خود پاک کنید (به قول معروف شیفت دیلیت کنید!) این ممکن نیست؛ زیرا ویژگی تعریف این است که در وجود انسان نفوذ می کند!

وقتی می خواهیم تعریف متناسب با فطرت و متمایل به غایت را جا بیاندازیم و به پذیرش برسانیم، چه طور باید عمل کنیم؟ الگوی جدید نگهبانی از نظام به این سؤال، پاسخ می دهد و می گوید تعریف جدید خود را که دو ویژگی دارد (تناسب با فطرت و تمایل به غایت)، با تعریف غلط مقایسه کن؛ نتیجه آن در واقع تحقق نگهبانی از نظام خواهد بود.

من مثالی را این روزها زیاد تکرار می کنم. ما الآن راجع به سلامت معتقد هستیم: سازمان بهداشت جهانی (WHO)^{۲۸} تعاریف غلطی را به پذیرش رسانده است که دائماً جامعه ما را بیمارتر و مشکلات سلامت جامعه ما را بیشتر می کند. الگوی جدید نگهبانی از نظام می آید و تعریف پایه سلامت را با تعریف پایه خودمان که متناسب با فطرت و متمایل به غایت است، مقایسه می کند و آن را بحث می کند.

مثلاً فرض بفرمایید اینجا گفته می شود: ما سلامت بشر را بر اساس مفهوم سلول بحث می کنیم. مفهوم سلول که ترجمه آن به فارسی «اتاقک کوچک» می شود، مفهوم اصلی پزشکی است و در کل دنیا جا افتاده است. حتی طلبه هایی که خیلی ملاً نیستند و می خواهند بحث کنند می گویند به بخور، خیار بخور زیرا ویتامین دارد! می گویم چرا سبوس بخوریم؟ می گویند چون امگا ۳ و ۶ دارد! آن ها همان ادبیات سلولی معروف را بحث می کنند. آیا می توانید با زدن یک دکمه این ادبیات را از ذهن ها

۴/۱. ایجاد نظام مقایسه

در تعریف سلامت با WHO؛ مثالی از اصلاح تعاریف غلط موجود با استفاده از الگوی جدید نگهبانی از نظام

۴/۱/۱. تحلیل سلامت بر اساس سلول؛ مبنای مختار پزشکی مدرن

۴/۱/۲. تحلیل سلامت بر اساس مزج اختیاری؛ مبنای مختار طب اسلامی

۲۸. سازمان جهانی بهداشت (WHO) یکی از آژانس های تخصصی سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۴۸ با هدف نیل به بالاترین سطح سلامتی برای همه مردم تأسیس شد. اساسنامه آن در هفتم آوریل ۱۹۴۸ لازم الاجرا گردید که همه ساله این روز به عنوان روز جهانی سلامت گرامی داشته می شود. البته بررسی عمیق عملکرد و اسناد و کتاب های منتشر شده از طرف سازمان بهداشت جهانی، تأثیرات جدی صهیونیسم جهانی بر آن ها را برای رساندن بشریت به سوی «بیماری های جسمی» و «فسادهای معنوی» نشان می دهد.

خارج کنید؟ این منتفی است! باید ادبیات رقیبی که قدرت رقابت دارد، در برابر این ادبیات تولید کنید.

ما در اینجا بحث کردیم که تحلیل سلامت بر اساس مزج اختیاری صورت می‌گیرد. مزج اختیاری، مفهوم پایه نظریه پیشگیری ساختاری و پایه در مسئله سلامت است و به تعبیر امروزی‌ها پایه طب اسلامی است. مزج اختیاری یعنی چه؟

چرا مفهوم مزج اختیاری کارآمدتر از مفهوم سلول است؟ چون سلول، نگاه به بدن را «جزء محور» تجزیه و تحلیل می‌کند و با اصل قرار دادن واحد سلول، در ۱۶ تخصص سلول را برای شما تحلیل می‌کند.^{۲۹} همه این ۱۶ تخصص تن‌ها درون سلول را توضیح می‌دهد. مثلاً راجع به متابولیسم^{۳۰}، تجزیه و ترکیب مولکول‌های زیستی^{۳۱}، نظام ژنوم، هسته و غشای سلول بحث می‌کند. در تمام این‌ها «یک سلول» را فرض گرفته و بحث می‌کند. شما یک سؤال را مطرح می‌کنید تا چالش این مفهوم پایه معلوم شود. آن سؤال چیست؟ آن سؤال این است که آیا این سلول با سلول کناری ارتباط دارد یا نه؟ آیا سلول‌های یک عضو با سلول‌های عضو دیگر ارتباط دارد یا نه؟ آیا نظام سلول‌ها با نظام اخلاق و روحيات انسان‌ها ارتباط دارد یا نه؟ سؤال را از ارتباط بین سلول‌ها می‌پرسید و می‌گویید: هاریسون^{۳۲}، WHO، طب سلولی و شیمیایی، ارتباط بین نظام سلول‌ها را چه طور تحلیل می‌کند؟ حرف ما این است که ارتباط بین سلول‌ها یا وجود دارد یا ندارد. اگر گفتید وجود ندارد، معلوم است که یک اصل بدیهی را انکار کردید! اگر گفتید ارتباط وجود دارد، پس باید گفت این ارتباط، اصل در حیات سلول است. چون اگر سلول را خارج کنید، می‌میرد و حیات سلول به این است که در درون یک عضو باشد. پس به تعبیر فلسفی «بیرون، اصل در درون است» و «ارتباط، اصل در حیات سلولی است» حال شما می‌گویید من در دستگاه پزشکی خودم، مزج‌محور تحلیل می‌کنم؛ یعنی

۲۹. ۱- کارشناسی بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری ۲- کارشناسی تکنولوژی پزشکی هسته ای ۳- کارشناسی زیست‌شناسی سلولی و مولکولی ۴- کارشناسی زیست‌شناسی گیاهی ۵- کارشناسی زیست فناوری ۶- کارشناسی مهندسی تولید و ژنتیک گیاهی ۷- کارشناسی میکروبیولوژی ۸- دکترای بیوتکنولوژی ۹- مهندسی تولید و ژنتیک گیاهی و ...

جزوه راهنمای انتخاب رشته برای آزمون سراسری ۱۳۹۷ از سازمان سنجش آموزش کشور: yon.ir/q2txf

۳۰. متابولیسم: فرآیند‌های شیمیایی که در تمام و یا بخشی از پیکره موجودات زنده روی می‌دهد. این فرآیند به دو دسته تقسیم می‌شود.

کتاب فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۶۱۹

۳۱. Biomolecule, also called biological molecule, any of numerous substances that are produced by cells and living organisms. Biomolecules have a wide range of sizes and structures and perform a vast array of functions. The four major types of biomolecules are carbohydrates, lipids, nucleic acids, and proteins.

مولکول‌های زیستی که مولکول‌های بیولوژیکی هم نامیده می‌شوند، هریک از مواد متعددی است که توسط سلول‌ها و موجودات زنده تولید می‌شود. مولکول‌های زیستی طیف وسیعی از اندازه‌ها و ساختارها را دارند و عملکرد وسیعی را انجام می‌دهند. چهار نوع اصلی مولکول‌های زیستی کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، اسیدهای نوکلئیک و پروتئین‌ها هستند.

آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا: britannica.com/science/biomolecule

۳۲. کتاب اصول طب داخلی هاریسون، در زمینه بیماری‌های داخلی است و فشرده‌ای از جدیدترین یافته‌های مورد پذیرش پوزیتویستی را در اختیار قرار می‌دهد. کتاب به نام تینسلی هاریسون که ویراستار ارشد ۵ ویرایش اولیه کتاب بوده است نام‌گذاری شده است. این کتاب از کتب اصلی و قدیمی مورد تدریس در دانشگاه‌هاست.

اصل را بر تحلیل ارتباطها می‌گذارم. مزج به معنای ترکیب است. پس بنابراین دو دستگاه پزشکی به وجود می‌آید:

الف - دستگاه پزشکی جزء نگر و سلول پایه. ب - دستگاه پزشکی کل نگر و مزج (یا ترکیب) پایه. این دستگاه وقتی می‌خواهد بدن را تحلیل کند، بر پایه مزج ترکیبی و اختیاری تحلیل می‌کند و ابعاد مزج را هم بحث می‌کند.

ما در مباحثات قبلاً بحث کردیم: مزج و ترکیبی که ما در طب اسلامی بحث می‌کنیم، سه چیز است: ۴/۱/۴. تحلیل «اعضاء»، «کل بدن» (و نسبت بدن با اخلاق) و «نسبت رزق روزانه با نفس و بدن»؛ سه بُعد از ابعاد تحلیل ترکیب پایه طب اسلامی

۱- ارتباط بین خود سلول‌ها که عضو ساخته می‌شود. شما کلمات روایات را دیده‌اید: امام علیه السلام وقتی راجع به بدن بحث می‌کند، مزج پایه بحث می‌کند و می‌گویند: «کلیه»، «دماغ»، «مو» یعنی وحدت یک نظام سلولی را بحث می‌کند. پس این مزج اولی است که در تحلیل ترکیب پایه ما لحاظ شده است. می‌گوییم اساساً وقتی ما در طب اسلامی بحث می‌کنیم، راجع به وحدت اعضا بحث می‌کنیم و می‌گوییم: «قلب»، «دست» [نه سلول قلب یا سلول دست]. وقتی شما داروهای طب اسلامی را ببینید. مثلاً می‌گویند: انار بخورید تا قلبتان تقویت شود.^{۳۳} یعنی وحدتی از نظام سلول‌ها بحث شده است. این لایه اول مزج است.

۲- لایه دوم مزجی که در تحلیل ما مطرح است ارتباط بین اخلاق و بدن است؛ یعنی بین نفس و جسم را بحث می‌کند. این هم یک لایه از مزج است. مزج ما یک لایه نیست. این را هم در طب بحث می‌کنیم. مثلاً روایت می‌گوید: به بخور تا شجاع شوی.^{۳۴} قدری در این روایت، درایه کنید که یعنی چه؟ به غذاست و به فرآیند خونی و دستگاه هاضمه می‌رود و جذب نظام سلولی می‌شود ولی بر روی اخلاق اثر دارد. بر عکس هم وجود دارد؛ روایت می‌گوید عصبانی نشو تا زخم معده نگیری. حسود نباش تا زخم معده نگیری و سوء هاضمه نگیری.^{۳۵} این‌ها هم لایه دوم مزج است که در روایت بحث شده است. پس این لایه عبارت از مزج بین اخلاقیات و نظام سلولی است.

۳۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ زَمَانَةً عَلَى الرَّيْقِ أَنَْارَتْ قَلْبُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

هشام بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: کسی که در حالت ناشتا يك انار بخورد تا چهل روز قلبش روشن خواهد بود.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴

۳۴. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ عَمِّهِ حَمْرَةَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِيَجْعَفِرَ يَا جَعْفَرُ كُلَّ السَّفَرَجَلِ فَإِنَّهُ يَقْوِي الْقَلْبَ وَيُشَجِّعُ الْجَبَانَ.

حمزة بن بزيع گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به جعفر فرمود: ای جعفر! به بخور؛ زیرا قلب را نیرومند و ترسو را شجاع می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷

۳۵. عنه عليه السلام: الْحَسَدُ لَا يَجْلِبُ إِلَّا مَضْرَّةً وَعَيْظًا، وَيُوهِنُ قَلْبَكَ، وَيَمْرُضُ جِسْمَكَ، وَشَرُّ مَا اسْتَشَعَرَ قَلْبُ الْمَرْءِ الْحَسَدُ.

امام علی عليه السلام: حسادت، جز زیان و خشم، دستاوردی ندارد. حسادت، دل را سست و تن را بیمار می‌کند. بدترین چیزی که قلب آدمی احساس می‌کند، حسادت است.

بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۲۵۶

۳- مزج بین رزق روزانه و ترکیب نفس و جسم، لایه سوم مزج در طب اسلامی است. نفس و جسم که ترکیب می شوند و بحث کردیم. حال رزق روزانه هم هر روز با اینها مزج می شود. ((فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ))^{۳۶} بنابراین وقتی داریم راجع به دستگاه ترکیب پایه خودمان در سلامت بحث می کنیم، اولاً وحدت ترکیبی - یا به اصطلاح امروزیها مزاج - را تحلیل می کنیم.

در نهایت ساختار سه گانه مزاج را هم بحث می کنیم. ما مزجی سه لایه در وجود انسانها داریم و این را پایه تحلیل قرار می دهیم. آنها ۱۶ تخصص دارند، ما ۵ دسته تخصص داریم که بعداً در طب اسلامی بحث می کنیم. البته همه تخصصهای ما ترکیب پایه است. ما نظام تخصصهای خودمان را ترکیب پایه بحث می کنیم. مثلاً لایه اول تخصصهای طب اسلامی را می گویم و عبور می کنیم: ما بر اساس مزج ترکیبی اعضا را تحلیل می کنیم. پس همه روایاتی که مستقلاً درباره «مو»، «پوست»، «کلیه» و «دماغ» و «قلب» بحث کرده، [در این قسم قرار دارند]. من فنی تر بگویم تحلیل ترکیب پایه اعضای بدن، خودش یک تخصصی است. این خیلی پیچیده است. خود همین اطباء طب اسلامی هم دچار مشکل می شوند؛ مثلاً پوست کسی به چالش کشیده شده است. خود اینکه شما بتوانید پوست را ترکیب پایه تحلیل کنید؛ یعنی اثر اخلاقیات و رزق را بر روی پوست ببینید.

آقای سید محمدرضا دادرزی: رزق مثل صلۀ رحم است؟

حجت الاسلام کشوری: مصادیق رزق زیاد است ولی آن هم مثال خوبی است.^{۳۷} خود رزق ساختاری دارد.

یک وقتی شما می گوید من لایه دوم تخصص طب اسلامی که ارائه دادم، تحلیل ترکیب پایه کل بدن است. مثلاً می گویی «غلبه تری»، «غلبه خشکی» یا «غلبه سردی پیدا شد» پیدا شد. اینها دیگر بحث اعضای بدن نیست - البته وقتی شما کل بدن را «ترکیب پایه» تحلیل می کنید، بر اعضا هم اثر دارد - بر این اساس، نظامی از تخصصها شکل می گیرد. مثلاً ما در وزارت بهداشت داریم بحث می کنیم. می گویم یک تحلیل سلول پایه و جزء نگر وجود دارد و یک تحلیل ترکیب پایه کل نگر وجود دارد. ساختار آنها ۱۶ تخصص است که [اولاً] جزئی و بریده بریده تحلیل می کنند و [ثانیاً] ما بن بستهای روش تحقیقی و [ثالثاً] بن بستهای تحلیل مسئله را در [دستگاه] آنها می گویم. مثلاً آنها نمی توانند بیماریهای کروموزومی را تحلیل کنند. می گویند اینها علاج ندارند؛ یعنی

۳۶. وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ / ذاریات، ۲۲

و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.

۳۷. عَنْهُ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَطَّابِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تُنْسِي لَه فِي عُمْرِهِ وَ تُوسِّع فِي رِزْقِهِ وَ تُحَبِّب فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيُصَلِّ رَحِمَهُ .

و فرمود: صلۀ رحم، اعمال را پاک کند و بلا را دور نماید و اموال را برکت دهد و عمر را بتأخیر اندازد و روزیش را وسعت دهد و در میان خانواده محبوبش سازد، پس باید از خدا پروا کرد و صلۀ رحم نمود.

بن بست تحلیل جزء نگر را در یک مسئله بحث می‌کنیم. بن بست روش تحقیقی را هم بحث می‌کنیم. انکار ارتباط سلول از حیث روش تحقیق را هم درباره آن‌ها بحث می‌کنیم. آن طرف وقتی شما تحلیل ترکیب پایه خودتان را بحث می‌کنید، علاج‌های آن را در مسائل لاینحل نسبت به مبنای سلولی بحث می‌کنید و در نهایت هم فواید روش تحقیق [خود] را بحث می‌کنید.

آن‌هایی که روش تحقیق خوانده‌اند می‌دانند «بیرون، اصل در درون است». به تعبیر مرحوم آقای سید منیرالدین [حسینی هاشمی ^{۳۸}]: «ما تعین در رابطه داریم» و امر مستقل نداریم. من در اینجا بر اساس «[فلسفه] اصالت ربط»^{۳۹} گفتم. به هر حال باید فواید روش تحقیقی آن را هم بحث کنیم. شما الگویی ساختید و می‌گویید کار این الگو مقایسه میان تعاریف است. من می‌دانم بحث میل به تخصصی شدن پیدا می‌کند ولی یادتان باشد این جلسه با جلسات دیگر فرق می‌کند، شما می‌خواهید به مصاف ۷۰ سال برنامه‌ریزی کشور بروید. آن‌ها یک دستگاه تخصصی ساختند و با آن دستگاهشان دیگران را تحقیر می‌کنند! می‌گویند شما وارد این وادی نشوید! ما لازم است میان تعریف تخصصی موجود را با تعریف تخصصی خودت مقایسه کنید. در این صورت غلبه پیدا می‌شود. البته من در اینجا یک تعریفمان را گفتم. عرض من این است بفضل تبارک و تعالی - این کارها هم فقط از دست خدا بر می‌آید و ربطی به بندگانش ندارد - ما در نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی در آینده آن به دنبال این هستیم که بین صد تعریف پایه مدرنیته و تعاریف پایه فقهی خودمان مقایسه کنیم. من فقط خواستم مثال بزنم تا روش نگهبانی از نظام را از روش حقوقی تغییر بدید. الآن می‌نویسند: فلانی ملتزم به ولایت فقیه هست یا نیست! ۹۰٪ آن‌هایی را هم که از این جهت احراز می‌کنند، می‌بینیم [مواردی] مثل مجلس ششم و دولت یازدهم جمهوری اسلامی شد! آیا شما دولتی ملتزم به ولایت فقیه الا شد و ندر دیده‌اید؟ عیب به کجا باز می‌گردد؟ عیب به این موضوع بر می‌گردد که نوع حقوقی نگهبانی از نظام مبنا قرار گرفته است. اما اگر نوع مفهومی نگهبانی از نظام - مقایسه بین تعاریف - اصل قرار بگیرد در این صورت خیلی بهتر خواهد شد. در حال حاضر در این فضا - این یک احتمال است و ما باید این بحث‌ها را بیان کنیم - فرض می‌کنم که شورای محترم نگهبان انقلابی‌ترین افرادی که دیگر بهتر از آنها انقلابی وجود ندارد باشند و الان برای نمایندگی مجلس گزینش کنند. بعد اگر اینها بر سرکار آمدند اگر تعریف فقهی و اسلامی نداشته باشند همین تعاریف پوزیتیویستی را این بار از زیر عمامه جلو خواهند برد. یعنی اتفاقاً انقلابی‌گری باعث می‌شود که آن انحرافات دیده نشده و همان اتفاقات بیافتد. شما در حال حاضر می‌توانید برنامه‌ها را ببینید؛ برای مثال برنامه مسکنی که قرار است در دولت آینده بنویسید آیا بر مبنای آپارتمان است یا بر مبنای

۳۸. مرحوم علامه سیدمنیرالدین هاشمی (۱۳۷۹ش) فقیه، اصولی، فیلسوف و نظریه‌پرداز اسلامی و عضو مجلس خبرگان و مؤسس فرهنگستان علوم اسلامی قم هستند.

۳۹. برای توضیح فلسفه اصالت ربط، ر.ک پیوست ۳.

دارواسعه؟^{۴۰} اصلاً کسی در حال حاضر بر روی دار واسعه کار می‌کند که ما بگوییم اگر دولت بعد و نیروهای انقلابی بر سر کار آمد ما بگوییم آینده اسلامی تر خواهد شد؟ البته اندکی بهتر خواهد شد اما آن تمدن و دولت اسلامی مطلوب حتماً از طریق اتخاذ تعاریف دینی جلو خواهد رفت.

۵. نظریه تعریف؛ نظریه حوزه محرومیت‌زدایی

نظریه سوم نظریه تعریف است؛ مفهوم پایه نظریه تعریف رزق است؛ در حال حاضر مفهوم پایه محرومیت بر اساس نگرش عرفی، پول است؛ مردم در عرف به کسی که پول کمتری داشته باشند می‌گویند که او محروم است. یکی از مفاهیم تخصصی حوزه محرومیت [از دیدگاه بعضی نظریه‌پردازان]، آزادی است یعنی اگر کسی آزادی کمتری داشته باشد محروم است؛ در نظریه توانمندسازی و کاهش فقر به این شکل است.^{۴۱} ما در نظریه تعریف چنین بحث کرده‌ایم و گفته‌ایم کسی که رزق کمتری دارد محروم است؛ یعنی مفهوم رزق را پایه قرار داده و مفهوم محرومیت را تعریف کرده‌ایم. از نظر فکر اسلامی هم همه چیز رزق است.^{۴۲} اتخاذ کلمه «رزق»، اصالت را در بهبود زندگی به «تقدیر» می‌دهد و «تدبیر» در حوزه برنامه‌ریزی را محدود به «عمل به مناسک تقدیر» می‌کند.

۵/۱. عمل به مناسک تقدیر برای جلب روزی در همه حیطه‌ها؛ درون مایه اصلی نظریه تعریف
۵/۲. پاسخ نظریه تعریف به تعارض بدوی اعتقاد به تقدیر الهی و لزوم برنامه‌ریزی

۴۰. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَذَاكُرْنَا الشُّؤْمُ عِنْدَهُ قَالَ الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةِ فِي الْمَرْأَةِ وَالذَّائِبَةِ وَالذَّارِ فَأَمَّا شُؤْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَ عُقُوقُ زَوْجِهَا وَ أَمَّا الذَّائِبَةُ فَشُؤْمُ خَلْقِهَا وَ مَنَعُهَا ظَهْرَهَا وَ أَمَّا الذَّارُ فَصِيْقُ سَاحَتِهَا وَ شَرُّ جَبْرَانِهَا وَ كَثْرَةُ عِيُوبِهَا.

خالد بن نجیح گوید در محضر امام صادق علیه السلام در باره «نحوست» گفتگو به میان آمد. امام فرمود: «بدبختی در سه چیز است: در زن، در مرکب و در خانه. اما نحس بودن زن، سنگین بودن کابین او و ناسازگاری و فراهم ساختن ناخوشنودی شوهرش می‌باشد و در مرکب رام نبودن و سرکشی است که نگذارد بر آن سوار شوند و شومی خانه در کوچک بودن صحن حیاط و داشتن همسایگان بد و عیوب زیاد می‌باشد.»

معانی الأخبار، ص ۱۵۲

جَتَّاحٌ عَنْ مَطَرٍ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ دَائِرٌ وَاسِعَةٌ تُؤَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءٌ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ...

مطر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز مایه راحتی مؤمن است: خانه بزرگ و وسیعی که عیب او را بپوشاند و تنگدستی‌اش را از دید مردم پنهان دارد؛ زن شایسته‌ای که او را در امور دنیا و آخرتش یاری دهد ...

کافی ج ۵، ص ۳۲۷

۴۱. توانمندسازی به مفهوم گسترش و بسط آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل‌دادن زندگی افراد است؛ این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیمات است. آزادی فقرا به شدت از طریق عدم امکان ابراز نظر و بی‌قدرتی، به‌ویژه از سوی دولت‌ها و بازارها تهدید می‌شود. در حال حاضر نابرابری جنسیتی شدیدی به‌ویژه در سطح خانوار وجود دارد. از آن جایی که بی‌قدرتی، ریشه در فرهنگ روابط نابرابر و غیر عادلانه نهادی دارد.

توانمندسازی و کاهش فقر (کتاب مرجع) بانک جهانی، مترجمان: فرزام پوراصغر سنگاچین، جواد رضوانی، ص ۲۵

۴۲. قال الصادق عليه السلام: «... أَنَّهُ لَا مَنَاعَ وَلَا مُعْطِيَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رَزَقَ وَ قَسِمَ لَهُ وَ الْجَهْدُ لَا يَرِيْدُ فِي الرِّزْقِ ...»

امام صادق علیه السلام فرمود: «... هیچ بازدارنده و عطاکننده‌ای غیر از خداوند نیست؛ و همانا هیچ چیزی به بنده نمی‌رسد مگر آنچه رزق و تقسیم شده‌ی او باشد و تلاش طاقت‌فرسا هم چیزی به رزق اضافه نمی‌کند!...»

مصباح الشریعة، ص ۱۷۸ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۷۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۹

برای مشاهده بحث از اعتبارسنجی این حدیث شریف، ر. ک پیوست رجالی.

در حالی که جمعیت‌هایی الان در رابطه با مفهوم رزق بحث می‌کنند و به انکار [لحاظ قواعد] تقدیر [الهی] می‌رسند و قطعاً این تحلیل قابل مناقشه است. لذا می‌گویند شما اگر می‌خواهید محرومیت‌زدایی کنید، برنامه‌ریزی یک امر لازمی است و نمی‌توان نشست تا خداوند متعال مستقیماً کارها را بر عهده بگیرد و تمام کند، این نگاه غلط به تقدیر است. اما خیر؛ ما برنامه‌ریزی را محدود به عمل به مناسک تقدیر می‌دانیم و عمل به مناسک تقدیر هم باعث زیاد و یا کم شدن نزول رزق خواهد شد. مفهوم رزق هم شامل همه چیز خواهد شد.

در روایات دیده‌اید که مثلاً می‌فرمایند همسر خوب داشتن رزق است، وقتی روایت می‌فرماید همسر خوب رزق است^{۴۳} به این معنا نیست که برای انتخاب همسر بررسی نکن زیرا در طرف دیگر روایات لزوم بررسی برای انتخاب همسر را مطرح کردند. برای مثال در روایت آمده است وقتی می‌خواهید همسر انتخاب کنید خانواده دختر را هم بررسی کنید. استدلال حضرت هم در روایت این است که می‌فرمایند فرزندان بیش از این که به مادر خود شبیه باشند به خاله و دایی خود شبیه هستند.^{۴۴} باید یک بررسی کرد که آیا مثلاً دایی و خاله فرزند آینده ما هم خوب است یا خیر؟ یا در روایت آمده است که اگر کسی به خاطر جمال کسی با او ازدواج کند، همان ویژگی به ضد او تبدیل خواهد شد، اما

۵/۲/۱. دستور به بررسی شرایط همسر آینده در کنار اعتقاد به حاکمیت رزق بر ازدواج خوب؛ مثال اول از تطبیق نظریه تعریف

۴۳. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ التَّرْوِيحَ فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ وَيُفْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ بَسِ فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيُحَمِدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِيُثْنِ عَلَيْهِ وَ لِيُقَلِّ اللَّهُمَّ أَرْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَ دُوداً وَ لُوداً شُكُوراً قُتُوعاً غَيْرَ إِذَا أَحْسَنْتُ شَكَرْتُ وَ إِذَا أَسَأْتُ عَفَرْتُ وَ إِذَا ذَكَرْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَعَانَتْ وَ إِذَا نَسِيتُ ذَكَرَتْ وَ إِذَا خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظَتْ وَ إِذَا دَخَلْتُ عَلَيْهَا سَرَّتْ وَ إِذَا أَمَرْتُهَا أَطَاعَتْني وَ إِذَا أَسَمْتُ عَلَيْهَا أَبْرَثَ قَسَمِي وَ إِذَا عَضِبْتُ عَلَيْهَا أَزْصَبْتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ وَ لَا أَجِدُ إِلَّا مَا قَسَمْتَ لِي وَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ ثُمَّ إِذَا رُفِّقَتْ إِلَيْهِ وَ دَخَلَتْ عَلَيْهِ فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ لِيَمْسَحْ يَدَهُ عَلَى نَاصِيَتَيْهَا وَ لِيُقَلِّ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَ بَارِكْ لَهَا فِي وَ مَا جَمَعْتَ بَيْنَنَا فَاجْمَعْ بَيْنَنَا فِي خَيْرٍ وَ يُمْنٍ .

علی فرمود: هر کس از شما برای ازدواج تصمیم گرفت، دو رکعت نماز بخواند، بعد سوره حمد و پس از آن حمد و ثنای الهی را بجای آورد، و بگوید: خدایا! زن صالح، با مودت، پر اولاد، سپاسگزار، قانع و تسلیم و با غیرت نصیب من گردان، که اگر خوبی کنم سپاسگزار باشد، و اگر خدا را فراموش کردم مرا یاد آوری کند، آنگاه که خانه را ترک می‌کنم حافظ زندگی و آبرو باشد، و آنگاه که به خانه می‌آیم مرا خوشحال و مسرور کند، اگر به او دستور دادم اطاعت کند، و اگر برای او قسم خوردم آن را بپذیرد، و اگر نسبت به او عصبانی و خشمناک شدم مرا راضی و خرسند گرداند. ای خدای صاحب جلال و بزرگواری! چنین زنی را قسمت من گردان، زیرا من از آستان پر عظمت تو کمک می‌گیرم، و جز آنچه تو قسمت من می‌کنی، چیزی را سراغ ندارم. علی علیه السلام فرمود: اگر کسی این نماز و دعا را انجام دهد، خداوند خواسته او را اجابت می‌نماید. و آنگاه هم که شب عروسی می‌رسد و زن نزد او می‌آید، دو رکعت نماز بخواند، سپس دست خود را روی پیشانی زن بگذارد و بگوید: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي وَ فِي أَهْلِي وَ بَارِكْ لَهَا فِي، وَ مَا جَمَعْتَ بَيْنَنَا، فَاجْمَعْ بَيْنَنَا فِي خَيْرٍ وَ يُمْنٍ».

النوادر (للراوندی)، جلد ۱، صفحه ۴۸

۴۴. عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ .

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «برای نطفه‌های تان (از میان زنان) به گزینی کنید بی‌تردید دایی فرزند [به منزله] یکی از دو همخوابه [در تأثیر بر نطفه منعقد شده] است».

۳ - وَ يَأْتِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَ انْكِحُوا فِيهِمْ وَ اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ .

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «آنان که با هم، هم‌شان هستند را به همسری درآوردید و خودتان از میان آنان همسر برگزینید و برای فرزندآوری به گزینی کنید».

اگر کسی به خاطر دین و عفت دختری با او ازدواج کند جمال او هم به دل او خواهد نشست^{۴۵} و به این نقصان در زندگی دچار نخواهد شد که مثلاً بگوید من از همسر خودم خوشم نمی‌آید. لذا دهها روایت در حوزه بررسی وجود دارد که باید همه آنها را پیگیری کرد. بعد روایت می‌فرماید اگر این موارد را انجام دهید رزق شما تغییر خواهد کرد؛ در نهایت خداوند متعال رزق و روزی شما را در مسئله همسر ارتقا خواهد داد.

امام خوب رزق است^{۴۶}، معلم خوب رزق است. برای مثال در حوزه علمیه به این شکل است که گاهی کثرت تعلیم و تعلم اصل می‌شود؛ زیاد کتاب خوانده و زیاد پای درس اساتید می‌رویم در حالی که تلاش برای حسن‌الانتخاب اصلی‌ترین کار است؛ برخی از اقایان اهل معنا چنین می‌گویند - که حرف درستی هم است - می‌گویند اگر انسان پنجاه سال دنبال یک استاد بگردد این کار او ارزش دارد.^{۴۷} اگر حسن‌الانتخاب داشتید آن مسیر علمی سرعت بیشتری پیدا خواهد کرد.

۴۵. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِجَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْفُرُهُ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ.

از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلم نقل شده است: هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی و آگذار می‌کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند.

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۹

۴۶. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ زَيْدٍ وَ يَهُ الْبَلَابُ الْهَمْدَانِي بِهَمْدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُثْمَانَ الْهَمْدَانِي قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حَبَّ الْأُنْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرُونَ [عَشْرِينَ] خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ عَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزُّهُدُ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَ الرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَ التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَ الْبَاسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ التَّاسِعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَلَا يَنْشُرُ لَهُ دِيوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يَبْيَضُ وَجْهُهُ وَ يُكْسَى مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ يَشْفَعُ فِي مَائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يُنْظَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ يُتَوَّجُ مِنْ تَيْجَانِ الْجَنَّةِ وَ الْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي .

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر کس را که خداوند دوستی پیشوایان از خاندان مرا نصیبش فرمود در حقیقت به خیر دنیا و آخرت رسیده است پس هیچ کس تردیدی نداشته باشد که او در بهشت است زیرا در دوستی خاندان من بیست خصلت است ده مورد از آن‌ها در دنیا و ده مورد از آن‌ها در آخرت. اما خصلت‌هایی که در دنیا است زهد است و حرص به عمل و پاک‌دامنی در دین و میل به پرستش خدا و توبه پیش از مرگ و شادمانی در شب زنده داری و نومیدی از آنچه در دست مردم است و نگهداری احترام امر و نهی خداوند عزوجل نهیم کینه دنیا دهم سخاوت. و اما آنچه در آخرت است دفتر حسابی برای او باز نشود و میزانی برای او بر پا نگردد و نامه او به دست راستش داده شود و فرمان بیزاری از آتش برای او نوشته شود و رویش سفید گردد و از جامه‌های بهشتی بر او پوشانیده شود و در باره صد نفر از خانواده خویش شفاعتش پذیرفته گردد و خدای عزوجل با نظر رحمت به او نظر فرماید و از تاج‌های بهشتی بر سرش گذاشته شود و دهم آنکه بدون حساب در بهشت درآید پس خوشا به حال دوستان خاندان من.»

الخصال ج ۲ ص ۵۱۵

۴۷. آیت الله سید علی قاضی رَحِمَهُ اللَّهُ: کسی که طالب سیر و سلوک شد، اگر برای پیدا کردن استاد نصف عمر خود را در جستجو بگذراند ارزش دارد و آن که به استاد رسید نصف راه را طی کرده است.

اسوه عارفان ص ۱۸

کسی که طالب راه و سلوک طریق خدا باشد، اگر برای پیدا کردن استاد این راه، نصف عمر خود را در جستجو و تفحص بگذراند تا پیدا کند، ارزش دارد. کسی که به استاد رسید نصف راه را طی کرده است.

بنابراین ما برنامه‌ریزی را نفی نمی‌کنیم بلکه می‌گوییم برنامه‌ریزی و تدبیر بشر همان عمل به مناسک تقدیر است. در حوزه محرومیت‌زدایی هم همین است؛ وقتی با مردم صحبت می‌کنیم آن‌ها را به عمل به مناسک تقدیر دعوت می‌کنیم. در این صورت محرومیت برطرف خواهد شد. برای مثال امکان ندارد از یک روستایی محرومیت‌زدایی اتفاق بیفتد اما در آن روستا خانه عالم وجود نداشته باشد. حتماً همه چیز به محوریت یک خانه عالم اتفاق می‌افتد و آن عالم هم باید بتواند علم را گسترش دهد و عالم صوری نباشد «إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ، فَسَدَ الْعَالَمُ»^{۴۸} باید عالم باشد و بتواند با مردم تفاهم کرده و بحث را برای مردم جا بیندازد. پس وقتی می‌گوییم محرومیت را به محوریت مفهوم رزق تعریف می‌کنیم یعنی هم برنامه‌ریزی را پذیرفته و هم نگاه به آسمان را پذیرفته‌ایم به دلیل اینکه فرمود: «فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ».

۶. نظریه هسته‌های توازن فرهنگی؛ نظریه حوزه برنامه‌ریزی کشور

در نظریه هسته‌های توازن فرهنگی مفهوم هدایت را پایه قرار داده‌ایم. می‌دانید برنامه‌ریزی کشور از شناسایی و کشف عدم توازن‌ها شروع خواهد شد، اگر شما مقدمه برنامه‌های سازمان برنامه‌بودجه را بررسی کنید می‌گویند قبل از اینکه برنامه نوشته شود، یک هسته‌هایی تشکیل می‌شود تا بررسی کنند که معضلات کشور چیست. حال ما در اینجا یک سؤالی می‌پرسیم که با چه مدلی تشخیص می‌دهید که معضلات کشور چیست؟ آقایان در نظام برنامه‌ریزی می‌گویند هر امر متعارض با اقتصاد معضل است و به عنوان معضل معرفی می‌شود.

۶/۱. تعارض با هدایت؛ ما در نظریه هسته‌های توازن فرهنگی می‌گوییم هر امر معارض با هدایت، معضل است؛ اگر می‌خواهید کشور خود را اداره کنید باید ببینید که چه امری معارض با هدایت جامعه است و آن را به عنوان معضل بررسی کنید. برای مثال نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، یک نمونه کار است؛ ما گفته‌ایم که در حال حاضر صد مسئله معارض با هدایت وجود دارد، یعنی صد معضل داریم. اما اگر از ما بپرسند که چطور این موارد را معضل اعلام کردید خواهیم گفت که براساس مفهوم هدایت، سیر تعارض آن مسئله را با هدایت نشان داده‌ایم بنابراین نظریه هسته‌های توازن فرهنگی، مدل گزارش عدم توازن‌های ما است.

خب انگار رزق نیست که ما این بحث را تمام کنیم اما ان شاء الله اگر جلسات آینده‌ای بود، ما ساختار برنامه هفتم کشور را که نوشته و بررسی کرده‌ایم [و این بحث را بر اساس آن تکمیل خواهیم کرد]. شما می‌دانید که مردم ایران در سال ۱۴۰۰ گرفتار این برنامه هفتم خواهد بود و برنامه هفتم به تدریج تا سال ۱۴۰۰ بر روی کار خواهد آمد. فرصت زیاد است و این مفاهیم را بحث خواهیم کرد. مفهوم خانواده و محله را در برنامه‌ریزی بحث خواهیم کرد، برنامه هفتم باید خانواده و محله را ببیند،

سیمای فرزنانگان ص ۴۸

۴۸. قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): زَلَّةُ الْعَالَمِ تُفْسِدُ الْعَوَالِمَ.

لغزش عالم، عوالمی را فاسد می‌گرداند.

غرر الحکم ج ۱، ص ۳۹۱

شاخصه‌های ارزیابی جامعه را بحث خواهیم کرد، در حقیقت نظام برنامه‌ریزی کشور نیاز به یک شاخصه‌های ارزیابی جدیدی دارد. (رفق × رشد × توازن) شاخصه‌های مادر ماست و شاخصه‌های بخشی هم در نه دسته وجود دارد که امروز توفیق نشد بحث کنیم و مدیریت اختیاری تحصیل و روش تدبیر هم از مباحثی است که فرصت نشد بحث کنیم.

پس در مجموع ما نه دسته مفهوم را با حیث تأثیر آن‌ها بر برنامه‌ریزی کشور توضیح دادیم که تبدیل به این نه میز تخصصی شده است که شما در حال حاضر کتاب‌های آن را می‌بینید. إن شاء الله ما اولین بار در قم با نگاه کاملاً فقهی برنامه هفتم کشور را خواهیم نوشت. نفس این کار که یک مجموعه حوزوی بتواند با نگاه فقهی برنامه بنویسد و بتواند تخصیص‌ها را عوض کرده و معضلات را با نگاه جدیدی ارائه دهد، تا الآن «لَمْ يَطْمِئْتُهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ»^{۴۹} است. بعد هم إن شاء الله براساس نظریات بخشی، احکام برنامه‌ای را پیشنهاد خواهیم داد. از حوصله شما تشکر می‌کنم ان شاء الله ادامه بحث‌ها را در جلسات آینده محضر شما خواهیم داشت.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴۹. کنایه از اینکه کسی تا به حال سراغ این مسئله نرفته است. (اشاره به آیه شریفه ۵۶ سورة الرحمن: فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئْتُهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ / در آن بهشت‌ها زنانی هستند که فقط به همسرانشان عشق می‌ورزند، و پیش از آنان دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است.)

پیوست‌ها

پیوست ۱: کاربرد اصطلاح «عدم توازن» در ادبیات مدیران و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی کشور

به گزارش ایسنا در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۸ رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران نعمت‌الله ترکی در گفت و گو با خبرنگار این خبرگزاری، با اشاره به اینکه سند آمایش استان تهران با رویکرد آینده‌نگری تدوین شده است، اظهار کرد: «عدم تعادل و توازن در کشور در نتیجه نبود سند آمایش است».

ادرس مطلب از خبرگزاری ایسنا: isna.ir/news//98070503486

به گزارش خبرگزاری ایسنا، وزیر کشور رحمانی فضلی در دیدار با جمعی از فعالان اجتماعی در تاریخ ۱ دی ماه ۱۳۹۷، در مقام تشریح عوامل ریشه‌ای بروز و رشد آسیب‌های اجتماعی، مشکل اصلی در این عرصه را عدم توازن و تعادل در سطح کشور دانست و گفت: «در حوزه‌های مختلف در برخی استانها انباشت ثروت، جمعیت، فعالیت، کار و سرمایه و موارد دیگر را شاهد هستیم در حالی که در برخی استانها هیچ‌یک از این موارد وجود ندارد؛ مثلاً در تهران، با انباشت ثروت مواجه و همزمان بالاترین میزان بزهکاری و جرم را شاهد هستیم».

وی ادامه داد: «ریشه این عدم توازن و تعادل بوجود آمده در کشور، نوع نظام برنامه‌ریزی ماست که این نظام برنامه‌ریزی نیز از نظام بودجه‌ریزی کشور ناشی می‌شود؛ نظام بودجه‌ریزی که مربوط به بیش از ۵۰ سال گذشته و محصول طرح اصل ترومن است که بر پایه نظام اداری متمرکز تدوین شده است».

ادرس مطلب از خبرگزاری ایسنا: isna.ir/news//97100100490

به گزارش گروه خبر خبرگزاری برنا، «عبدالرضا رحمانی فضلی»، وزیر کشور، در ششمین همایش ملی مدیریت جهادی در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۳۹۸، گفت: «اگر از من رحمانی فضلی که ۴۰ سال است در این نظام مسئولم پرسند که بزرگترین مشکل کشور چیست می‌گویم نبود توازن و تعادل».

وزیر کشور افزود: «هر چقدر ما ناوشکن و موشک تولید کنیم و یا جاده بسازیم و رشد اقتصادی را به ۲۰ درصد برسانیم اگر این عدم توازن را حل نکنیم این نابرابری با شتاب بیشتری پیش می‌رود».

ادرس مطلب از خبرگزاری برنا: borna.news/fa/tiny/news-937987

امروزه، در ادبیات توسعه اقتصادی بیش از هر چیز، بر مفهوم توسعه پایدار تأکید میشود. توسعه پایدار سه مولفه اساسی دارد. ۱. محور بودن انسان ۲. حکمرانی خوب ۳. تعادل. شیوه‌ها و روش‌های مختلفی برای حرکت از وضع موجود به وضعیت مطلوب وجود دارد به طور کلی این روشها را میتوان در دو طیف برنامه‌ریزی متوازن و برنامه‌ریزی نامتوازن طبقه‌بندی کرد.

نشریه علمی تخصصی مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور با نام «برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی برای توسعه منطقه‌ای»: b2n.ir/919516

توسعه و ترقی به عنوان هدف دخالت عمده و مدیریت شده در امور عمرانی و اقتصادی کشور از حدود هفت دهه قبل محور تمام برنامه‌های کشور بوده است. با توجه به تجربه طولانی مدت و اجرای ده برنامه بلندمدت، اما کشور با چالش بزرگی به نام عدم تعادل‌های منطقه‌ای مواجه می‌باشد.

مقاله ای با نام «تحلیلی بر رویکرد سند برنامه ششم به تعادل بخشی منطقه ای و توسعه پایدار» در اولین همایش بین المللی bzn.ir/012668 برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه ای رویکردها و کاربردها:

پیوست ۲: مراد از کارآمدی در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی و مقایسه به نظریات بعضی از فضایل معاصر

حجت الاسلام کشوری:

فقه المکاسب مبتنی بر «اصل اشراف» است که به ادبیات وحی اختصاص دارد و کسی غیر از خدای متعال و رسولانش نمی تواند ادعا کند که بر اساس همه نیازها و همه ابعاد بشر سخن گفته است. بنابراین وقتی بحثی در فقه المکاسب مطرح شد، چون مبتنی بر اشراف است کارآمدی بیشتری نیز خواهد داشت.

من با زبان جدال احسن سخن می گویم که اگر کسی اشراف داشت متغیرهای بیشتری را لحاظ می کند و دقت بیشتری در طراحی سیستم خواهد داشت. بنابراین برآیند کار او نفی نظام نیازمندی های فرد در جامعه و در سیستم اقتصادی نخواهد شد. هر کس اشراف بیشتری داشته باشد، شناخت بیشتری از متغیرهای مؤثر در سیستم خواهد داشت و بنابراین کارآمدی نیز ارتقاء پیدا می کند. بنابراین آنچه که در مباحثات اصولی مطرح کردیم وصف کارآمدی نیز جزء و بُعدی از مفهوم حجیت است و یک وصف جداگانه نیست. برخلاف اینکه برخی از فضایل معاصر در یک سو حجیت و در سوی دیگر کارآمدی را به نحو تألیفی به مفهوم حجیت اضافه کردند. با دقت در مفهوم حجیت، اتکای به اصل اشراف در ذهن ما تصویر می شود و با دقت در مفهوم اشراف مفهوم کارآمدی نیز به عنوان لازمه اشراف در ذهن ما تصویر پیدا خواهد کرد. عرض کردیم که مبتنی بر این مفهوم حجیت ما مباحث فقه المکاسب را مطرح کرده و به آن می پردازیم و اساساً دعوت ما از دانشمندان و طبقه نخبگان این است که برای طراحی نظام و حل مسائل بشر از روش های پوزیتیویستی عبور کنند.

دوره اولیه فقه المکاسب (۳۷ امین دوره از دانشنامه الگوی پیشرفت اسلامی)، جلسه دوم

آیت الله سید محمد مهدی میرباقری:

در معنای صحیح رویکرد حکومتی به فقه، فقه باید کارآمدی در جهت تحقق و اقتدار اسلام (نه در مسیر تحقق تمدن مادی) داشته باشد و به اقامه دین ختم شود؛ یعنی کارآمدی در مقام اقامه دین، جزو شرایط صحت فقه می شود. به عبارت دیگر همان طور که در مقام استناد، «تعبد به شرع» از ارکان حجیت است. «کارآمدی» اجرایی هم از ارکان حجیت است؛ نه به این معنا که فقه، شیوه های مدرن را توجیه و امضاء کند، بلکه فقه باید در عرصه عینیت، قابلیت تغییر عینیت به نفع اسلام را داشته و در هر شرایطی کارآمد باشد و مسیر عبور جامعه و حاکمیت را به سمت تحقق و اقامه دین هموار سازد. در این صورت رویکرد حکومتی به فقه، می تواند معنای موجهی داشته باشد.

مقاله مبانی فقه حکومتی (۱) / مجله گفتمان فقه حکومتی (شماره اول) بهار و تابستان ۹۵

پیوست ۳: معنای فقهی انفال

«القول في الأنفال: وهي ما يستحقه الامام عليه السلام على جهة الخصوص لمنصب إمامته كما كان النبي صلى الله عليه وآله لئلا يترتب الإلهية، وهي أمور: منها - كل ما لم يوجف عليها بخيل وركاب أرضا كانت أو غيرها انجلى عنها أهلها أو سلموها للمسلمين طوعاً. ومنها - الأرض الموات التي لا ينتفع بها إلا بتعميرها وإصلاحها لاستيجامها أو لانقطاع الماء عنها أو لاستيلائه عليها أو لغير ذلك، سواء لم يجز عليها ملك لأحد كالمفاوز أو جرى و لكن قد باد و لم يعرف الآن. و يلحق بها القرى التي قد جلا أهلها فخربت كبايل و الكوفة و نحوهما، فهي من الأنفال بأرضها و آثارها كالأحجار و نحوها، و الموات الواقعة في الأرض المفتوحة عنوة غيرها على الأقوى، نعم ما علم أنها كانت معمورة حال الفتح فعرض لها المواتان بعد ذلك ففي كونها من الأنفال أو باقية على ملك المسلمين كالمعمورة فعلا تردد و إشكال لا يخلو ثانيهما من رجحان. و منها - أسياف البحار و شطوط الأنهار، بل كل أرض لا رب لها على إشكال في إطلاقه و إن لا يخلو من قرب و إن لم تكن مواتا بل كانت قابلة

للاتنتفاع بها من غير كلفة كالجزائر التي تخرج في دجلة و الفرات و نحوهما. و منها- رءوس الجبال و ما يكون بها من النبات و الأشجار و الأحجار و نحوها، و بطون الأودية، و الأجام، و هي الأراضي الملتفة بالقصب و الأشجار من غير فرق في هذه الثلاثة بين ما كان في أرض الإمام عليه السلام أو المفتوحة عنوة أو غيرهما، نعم ما كان ملكا لشخص ثم صار أجمة مثلا فهو باق على ما كان. و منها- ما كان للملوك من قطع و صفايا. و منها- صفو الغنيمة كفرس جواد، و ثوب مرتفع، و سيف قاطع و درع فاخر، و نحو ذلك. و منها- الغنائم التي ليست بإذن الإمام عليه السلام. و منها- إرث من لا وارث له. و منها- المعادن التي لم تكن لمالك خاص تبعا للأرض أو بالإحياء.

مسألة: الظاهر إباحتها لجميع الأنفال للشيعة في زمن الغيبة على وجه يجري عليها حكم الملك من غير فرق بين الغني منهم و الفقير إلا في إرث من لا وارث له، فإن الأحوط لو لم يكن الأقوى اعتبار الفقر فيه، بل الأحوط تقسيمه على فقراء بلده، و الأقوى إيصاله إلى الحاكم الشرعي. كما أن الأقوى حصول الملك لغير الشيعي أيضا بحياسة ما في الأنفال من العشب و الحشيش و الحطب و غيرها، بل و حصول الملك لهم أيضا للموات بسبب الإحياء كالشيعي.»

تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۳۶۸

ترجمه: «گفتاری در مورد انفال: انفال چیزهایی است که امام (علیهم السلام) به خصوص به خاطر منصب امامتش، مستحق آن می باشد همانطور که بدلیل ریاست الهی (و امامتی) که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشت، انفال متعلق به او بود. و انفال چند چیز است: از آن جمله است- هر چیزی که با اسبان و سواران بر آن تاخته نشده است (و از طریق جنگ با کفار بدست مسلمانان نیفتاده است) زمین باشد یا غیر زمین، اهالی آن از آن کوچ کرده باشند و یا آن را با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم نموده باشند. و از آن جمله است- «زمین مواتی» که مورد استفاده نیست مگر این که آباد و اصلاح شود یا برای آن که نيزار است یا برای اینکه آب از آن قطع شده است یا برای اینکه آب آن را فرا گرفته و یا برای غیر اینها، چه ملک دیگری واقع نشده باشد مانند صحراهای بی آب و علف سوزان، یا ملک کسی بوده و لیکن مالک آن از بین رفته و الآن شناخته نشود. و قریه ها و شهرهایی که اهل آنها کوچ کرده سس خراب شده است مانند بابل و کوفه و مانند اینها به زمین موات ملحق می شود، پس این شهرها زمین و آثار آن مانند سنگها و مثل آنها از انفال می باشد، و زمین مواتی که در زمین مفتوح عنوة (با جنگ و غلبه فتح شده) واقع شده بنابر اقوی مانند غیر آن (جزء انفال) است. ولی اگر معلوم باشد که در حال فتح مسلمین، آباد بوده و بعد از آن حالت موات بر آن عارض شده است پس در این که از انفال است یا بر ملک مسلمین باقی می باشد مانند زمینی که فعلا آباد است تردید و اشکال است که دومی آنها خالی از رجحان نیست. و از آن جمله است- کناره های دریاها و نهرا، بلکه هر زمینی که صاحب نداشته باشد- البته اطلاق آن اشکال دارد- اگر چه خالی از قرب نمی باشد، و اگر چه موات نباشد بلکه بدون زحمت و تکلف قابل استفاده باشد، مانند جزایری که در دجله و فرات و مانند آنها بیرون می آید. و از آن جمله است- سر کوهها و آنچه که از گیاه و درختها و سنگها و مانند آنها در آنها می باشد، و عرصه وادی ها و «آجام» و آن زمینهایی است که به نی و درختان پوشانده شده است. و در این سه، بین آن که در زمین امام (علیهم السلام) باشد یا در مفتوح عنوة یا در غیر اینها باشد فرقی نمی کند؛ البته آنچه که ملک شخصی باشد سپس مثلا نيزار شود بر آنچه که بوده است باقی می ماند (و ملک صاحبش می باشد). و از آن جمله است- آنچه از مختصات شاهان بوده است از اموال غیر منقول و منقول. و از آن جمله است- غنیمت ممتاز، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران قیمت و شمشیر برنده، و زره فاخر، و مانند اینها. و از آن جمله است- غنیمت هایی که (جنگ در آن) با اذن امام (علیهم السلام) نباشد. و از آن جمله است- ارث کسی که وارثی نداشته باشد. و از آن جمله است- معدن هایی که به تبع زمین یا بواسطه احيای آن، ملک مالک خاصی نباشد.

مسألة: ظاهر آن است که همه انفال در زمان غیبت (حضرت مهدی سلام الله علیه) برای عموم شیعه مباح می باشد، بصورتی که حکم ملک بر آن جریان دارد بدون آن که بین غنی و فقیر شیعه فرقی باشد، مگر در مورد ارث کسی که وارثی ندارد. زیرا احتیاط- اگر اقوی نباشد- آن است که فقیر بودن در آن معتبر است، بلکه احتیاط آن است که بین فقرا شهر میت تقسیم شود، و اقوی آن است که باید به حاکم شرع رسانده شود، کما این که اقوی آن است که اگر غیر شیعه آنچه را که در انفال است از گیاه و علف و هیزم و غیر اینها حیازت کند، مالک آن می شود، بلکه اگر زمین موات را هم احياء کنند مانند شیعه ملکیت برایشان حاصل می شود.»

تحریر الوسیلة - ترجمه؛ ج ۲، ص ۱۰۹

پیوست ۳: توضیح فلسفه اصالت ربط

اصالت ربط: پس از نقد و تقض دو مبنا اصالت ماهیت و اصالت وجود، حد اولیه ربط مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مبنا ربط بین موضوعات امری حقیقی محسوب شده و هویت اشیاء به روابط درونی و بیرونی آنها تفسیر می‌شود و این امر در صورتی ممکن خواهد بود که موضوعات متابین به تمام ذات تعریف نگردند. اگر موضوعات متقوم به یکدیگر و متقوم به شرایط تعریف گردد، می‌توان ربط و همچنین وحدت و کثرت را تحلیل کرد. بر این اساس روابط، مقوم موضوعات هستند و کسب خصوصیت یک شیء تنها از ناحیه ذات و درون آن شیء و یا نه از ناحیه شرایط حاکم بر آن نیست بلکه از ناحیه نحوه تأثیر و تأثر و ارتباط و داد و ستدی است که این شیئی با سایر اشیاء و شرایط حاکم پیدا می‌کند و همین جاست که فی الجمله پایگاه «نسبت» شکل می‌گیرد.

در طراحی مهندسی نظام اجتماعی به عنوان یک کل متغیر، تحلیل ارتباطات اجتماعی با یکدیگر و شناسایی متغیرهای درونزا و برونزا ضروری است و توجه به ارتباط در مجموعه، پیش شرط لازم در بررسی این مهم می‌باشد. اما با این همه، جهت دستیابی به «شدن اسلامی» تنها توجه به مسئله ربط و اصالت دادن به آن، در ایجاد و کنترل یک کل متغیر کافی نیست؛ یعنی اصالت ربط به تنهایی نمی‌تواند از حرکت و تکامل توصیفی منطقی ارائه نماید، زیرا تفسیر روشنی از «چیستی ربط» ارایه نمی‌کند. این ابهام فلسفی در تفسیر کلیه ارتباطات زمانی و مکانی تأثیر می‌گذارد به گونه‌ای که در نهایت، چرایی پیدایش حرکت را بیان نمی‌دارد.

- اصالت تعلق: با توجه به ناتوانی اصالت ربط در «توصیف شدن» باید حقیقت ربط را مورد دقت قرار داد، در این مرحله «تعلق» در تعریف ربط، اصل قرار گرفته است. «تعلق» به معنای جاذبه، کشش و میل است و بیانگر حقیقتی است که عامل پیوستگی و ارتباط بین موضوعات در یک نظام کل و متغیر می‌باشد. با ورود به این مرحله، علاوه بر اصل شدن تعلق در تعریف ربط، «هدف داری نظام» نیز مطرح می‌شود؛ زیرا تعلق؛ جاذبه غائی است که کثرت نظام را به وحدت می‌رساند و مبدأ تحلیل «نسبت» در مجموعه است.

بر این اساس نظام موضوعات، نظام تعلقات غائی است که روابط ساختاری آنها تعینات تعلق و جاذبه غائی است. بدین ترتیب روابط مکانی به تبع زمان تفسیر می‌شود.

اگر چه اصالت تعلق بعضی از اشکالات مبنای اصالت ربط را مرتفع کرده است؛ ولی این حد اولیه نیز از تفسیر صحیح حرکت ناتوان است. چنانچه تعلق به تنهایی مبنای تفسیر اشیاء قرارگیرد، اشیاء به مرتبه خاص یا متعین از جاذبه تعریف می‌شوند و هر گونه تعین ذاتی - حتی تعین جاذبه‌ای - برابر با فعلیت خاص و آبی از پذیرش تغییر است.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله میرباقری ۲۳۱۳۴۱/bzn.ir

پیوست رجالی پیرامون روایت شریف « أَنَّهُ لَا مَانِعَ وَلَا مُعْطَىٰ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رَزَقَ وَ قَسِمَ لَهُ »

شرح سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری نسبت به احادیث بر اساس دو مبنای مشهور و تکاملی

الف) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای مشهور

در صورت پاسخ به سؤالات شش‌گانه زیر می‌توان به موثوق‌الصدور بودن روایت بر اساس این مبنا، اطمینان پیدا کرد.

سؤال اول - مصدر روایت چیست؟

این حدیث شریف در یک مصدر «مصباح الشریعة» ذکر شده است.

سؤال دوم - آیا حدیث مسند است؟ اگر آری، به ترتیب سلسله سند را نوشته و اتصال طبقات روات را از حیث امکان ارتباط بین آنها

بحث کنید.

روایت موجود در کتاب مصباح الشریعة به صورت مرسل روایت شده است.

البته مرحوم مجلسی اول رحمته گزارش وجود نسخه‌ای مسند از کتاب مصباح الشریعة را که به صورت [ظاهراً]: اجازه و نه وجاده در نزد بزرگانی چون شهید ثانی رحمته وجود داشته، مطرح می‌کنند.

سؤال سوم - روایت از لحاظ اتصال و منزلت راویان دچار چه نوع مشکلاتی است؟ آیا با قرائنی می‌توان ضعف سند را جبران نمود؟

اگر در موردی قرائن اطمینان آور وجود داشته باشد، آن را ذکر نمایید.

روایت شریف از لحاظ اتصال یا ارسال، «مرسل» است. و در اصل انتساب کتاب مصباح الشریعة چه به صورت ارسال یا اسناد به امام صادق علیه السلام هم اختلاف است.

چند قرینه بر احراز صدور روایت با وجود ضعف سند دلالت می‌کند؛ مانند: «تکرار مضمون روایت شریف در روایات قطعی‌الصدور» [۱]، «شهادت شهید ثانی رحمته به صدور روایت از معصوم» [۳]؛ با اینکه در مبانی رجالی خود سخت‌گیر بوده و همچنین معتقد به این است که پس از احراز صدور می‌توان به «قال المعصوم» تعبیر کرد و در غیر این صورت با عباراتی مثل «زوی» یا ... باید تعبیر نمود [۴] ولی با این حال از انتساب قطعی کتاب مصباح الشریعة و [ظاهراً]: به صورت مسند خبر می‌دهد. [۵] در روایات اهل تسنن نیز این حدیث نقل شده است که خود مؤیدی بر قول مرحوم فتال بر شهرت حدیث دارد. [۶] البته بعضی از بزرگان چون علامه مجلسی ثانی رحمته و شیخ حرّ عاملی رحمته درباره کتاب مصباح الشریعة مناقشاتی دارند؛ ولی امثال مرحوم محدث نوری رحمته به اعتبار کتاب مصباح الشریعة معتقد بوده و بر آن پافشاری کرده و بسیاری از شبهات را نیز پاسخ گفته‌اند [۷]

[۱] مضمون روایت شریف: تمام دارایی‌های انسان جزو رزق‌هایی است که حق تعالی برای وی مقدر فرموده است.

موارد تکرار مضمون این روایت در روایات دیگر:

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا قَامَ آخِرَ اللَّيْلِ يَرْفَعُ صَوْتَهُ حَتَّى يُسْمَعَ أَهْلَ الدَّارِ وَيَقُولُ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَؤُلَاءِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسَّعَ عَلَيَّ ضَيْقَ الْمُضْجَعِ وَ اِرْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَ اِرْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

از عبد الرحمن بن حجاج که گفت: هر گاه امام صادق علیه السلام در پایان شب بر می خواست آواز بر می آورد تا اهل خانه همه می شنیدند و می فرمود: بار خدایا، مرا بر هراس سرکشی به آخرت یاری کن، و تنگی آرامگاه را بر من گشایش ده، و به من روزی کن خیر پیش از مردن و خیر پس از مردن را. [ترجمه کمره‌ای]

کافی ج ۲ ص ۵۳۹

۲- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِازْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزی ما چنان کن که امروز را مصاحبی شایسته باشیم و ما را از آن نگهدار که ترکش گوئیم در حالی که مرتکب گناهی کوچک یا بزرگ شده باشیم. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۵۰

۳- ارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ.

نعمت انابت نصیب من کن. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۸۴

۴- ارْزُقْنِي قُوْرَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.

در قیامت رستگاری را نصیب من فرمای و از آتش دوزخم در امان دار. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۹۸

۵- جَابِرٌ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: رَجُلَيْنِ [رَجُلَانِ] فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ: رَجُلٌ مُسْلِمٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَ رَجُلٌ فَاقِرٌ يَقُولُ: اللَّهُمَّ! لَوْ شِئْتَ رَزَقْتَنِي مَا رَزَقْتَ أَخِي، فَأَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَتِكَ، فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ. وَ رَجُلٌ كَافِرٌ رَزَقَ مَالًا يَعْمَلُ فِيهِ بِغَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ! لَوْ كَانَ لِي مَالٌ مِثْلُ مَالِ فُلَانٍ، عَمِلْتُ فِيهِ بِمِثْلِ مَا عَمِلَ فُلَانٌ، فَلَهُ مِثْلُ إِثْمِهِ.

اصول الستة عشر - دار الحديث - ص ۲۲۹

۶- الْمَحَامِلِيُّ عَنْ دَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرَّقْفَ فِي الْمَعِيشَةِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ.

امام صادق عليه السلام به نقل از رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هنگامی خداوند نسبت به خانواده‌ای اراده خیر و سعادت نماید، راحتی و مدارای زندگی و اخلاق نیک روزیشان گردان. [ترجمه صالحی]

کتاب الزهد ص ۲۷

۷- وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوْتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ.

هر زنده جانی را از رزق مقسوم خویش توشه‌ای معلوم نهاد؛ آن سان که کس نتواند از آن که افزونش داده، اندکی بکاهد و بر آن که اندکش عنایت کرده، چیزی بیفزاید. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۲۸

[۳] مرحوم مجلسی اول هم اولاً قائل به صحت سند و متن این کتاب است و ثانیاً راوی آن را شهید ثانی با سند [ظاهراً]: متصل به امام صادق علیه السلام می‌داند. عبارت ایشان به این شرح است: مرحوم مجلسی اول رحمته الله در بیانی هم نظر خود و هم نظر شهید ثانی رحمته الله را درباره روایت بیان می‌دارند؛ آنجا که می‌فرمایند: «عَلَيْكَ بِكِتَابِ مِصْبَاحِ الشَّرِيعَةِ رَوَاهُ الشَّهِيدُ الثَّانِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِأَسَانِيدِهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام وَ مَتْنُهُ يُدُلُّ عَلَى صِحَّتِهِ»

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۱۳ ص ۲۰۱

شهید ثانی رحمته الله در کتب خود احادیثی نقل می‌فرمایند که تنها در مصباح الشریعة موجود است؛ برای نمونه می‌فرماید: «فَصَلِّ ... قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: الْبَلَاءُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ وَ كَرَامَةُ لِمَنْ عَقَلَ لِأَنَّ فِي مُبَاشَرَتِهِ وَ الصَّبْرِ عَلَيْهِ وَ الثَّبَاتِ عِنْدَهُ تَصْحِيحٌ [تَصْحِيحاً] بِسُنَّةِ الْإِيمَانِ ... وَ هَذَا الْفَصْلُ كُلُّهُ مِنْ كَلَامِ الصَّادِقِ عليه السلام»

مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد ص ۵۳ / موارد مشابه: منية المرید ص ۱۷۱ / رساله وصية نافعة (رسائل الشهيد الثاني ج ۲ ص ۸۱۵) / التنبيهات العلية على وظائف الصلاة القلبية ص ۱۱۴

[۴] شهید ثانی رحمته الله در کتاب رجالی خود بیان می‌دارند که نباید در صورت عدم اطمینان از انتساب کتابی به نویسنده‌ای، از تعابیری مثل «قال فلان» استفاده کرد:

(و إذا نقل من نسخة موثوق بها) في الصحة، بأن قابلها هو أو ثقة على وجه وثق بها (لمصنّف) من العلماء، (قال فيه) أي في نقله من تلك النسخة: («قال فلان») يعني ذلك المصنّف، (و إلا) يثق بالنسخة قال: («بلغني») عن فلان أنه ذكر كذا و كذا» و «وجدت في نسخة من الكتاب الفلاني» و ما أشبه ذلك من العبارات. و قد تسامح أكثر الناس في هذا الزمان بإطلاق اللفظ الجازم في ذلك من غير تحرّز و تثبّت؛ فيطالع أحدهم كتاباً منسوباً إلى مصنّف معيّن، و ينقل منه عنه من غير أن يثق بصحّة النسخة، قائلاً: «قال فلان كذا» و «ذكر فلان كذا». و ليس بجيّد، بل الصواب ما فصلناه .

الرعاية لحال البداية في علم الدراية (موجود در کتاب «رسائل في دراية الحديث» ص ۲۵۸)

[۵] وقتی خود ایشان با ساختار «قال الصادق عليه السلام» از کتاب مصباح الشریعة نقل حدیث می‌فرمایند، دلالت بر قطعیت انتساب نزد ایشان دارد، زیرا خود ایشان در کتاب رجالی خود این نوع تعبیر را نشان از احراز انتساب کتاب به شخص «منسوب الیه» می‌داند. همچنین بنا بر نقل علامه مجلسی اول ایشان این کتاب را مسنداً روایت می‌کنند.

[۷] مرحوم مجلسی دوم با وجود مبنای متعادل و غیر افراطی که درباره پذیرش روایات دارند، این کتاب را به دلیل مضامین مخالف با مکتب اهل بیت علیهم السلام و تفاوت مضامین روایات آن با دیگر روایات، نمی‌پذیرند و آن را از منابع کتاب خود یعنی «بحار الانوار» قرار نمی‌دهند.

بحار الانوار - الفصل الثاني في بيان الوثوق على الكتب المذكورة و اختلافها في ذلك، ج ۱ ص ۳۲

مرحوم حرّ عاملی هم بر عدم انتساب آن به امام صادق عليه السلام هم نظر مجلسی دوم است؛ اما محدث نوری با نقل نظرات موافق بزرگانی چون سید بن طاووس، شهید ثانی، ابن ابی جمهوری احسائی و همچنین طرح استدلالاتی، قائل به انتساب این کتاب به امام صادق عليه السلام است.

مستدرک الوسائل، الخاتمة ج ۱ ص ۱۹۴-۲۱۶

سؤال چهارم - نوع قرینه جابر ضعف را بحث کنید و حیث قرینه بودن آن را آشکار نمایید.

۱- تکرار مضمون روایت در روایات قطعی‌الصدر

مستند این قرینه اولاً روایت شریفه صحیح‌السند زیر و ثانیاً نفی احتمال داعی جعل است؛ زیرا نتیجه جعل جاعل تخریب فرآیند هدایت الهی خواهد بود که جاعل یا به غرض نابودی دین و یا برای کسب شأن و منزلت راوی بودن برای خود

دست به جعل می‌زند و وقتی مضمونی در آیات یا احادیث قطعی الصدور تکرار می‌شود، فرض مخرب بودن نسبت به فرآیند هدایت الهی از بین می‌رود لذا مضمون حدیث را فارغ از الفاظ آن می‌توانیم با جدیت به دین و معصوم نسبت دهیم.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قُلُوبِهِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ بِنْدَارِ الْقَمِّيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عُبَيْدٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ... قَالَ حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا حَدِيثًا إِلَّا مَا وَافَقَ الْقُرْآنَ وَ السُّنَّةَ أَوْ تَجِدُونَ مَعَهُ شَاهِدًا مِنْ أَحَادِيثِنَا الْمُتَقَدِّمَةِ ... وَ قَالَ يُونُسُ ... قَالَ [أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام] لِي : فَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا خِلَافَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّا إِن تَحَدَّثْنَا حَدِيثًا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُوَافَقَةِ السُّنَّةِ إِنَّا عَنْ اللَّهِ وَ عَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ، وَ لَا نَقُولُ قَالَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَيَتَنَاقَضُ كَلَامَنَا إِنَّ - كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا وَ كَلَامِ أَوْلِنَا مُصَادِقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا، فَإِذَا أَنَاكُمْ مَنْ يُحَدِّثُكُمْ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَرُدُّوهُ عَلَيْهِ وَ قُولُوا أَنْتَ أَغْلَمُ وَ مَا جِئْتَ بِهِ! فَإِنَّ مَعَ كُلِّ قَوْلٍ مِنَّا حَقِيقَةً وَ عَلَيْهِ نُورًا، فَمَا لَا حَقِيقَةَ مَعَهُ وَ لَا نُورَ عَلَيْهِ فَذَلِكَ مِنْ قَوْلِ الشَّيْطَانِ.

رجال الکشی ص ۲۲۴-۲۲۵

یونس بن عبد الرحمن از هشام بن الحکم نقل می‌کند که حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: حدیثی را منتسب به ما قبول نکنید مگر آنکه موافق قرآن کریم و سنت باشد؛ چرا که ما از خدا و رسول خدا حدیث نقل می‌کنیم و نمی‌گوییم فلانی و فلانی [اینطور] می‌گویند لذا سخنانمان با یکدیگر متناقض نمی‌شود. همانا کلام آخر ما [اهل بیت عليهم السلام] مانند کلام اول ما [اهل بیت عليهم السلام] است و کلام اول ما [اهل بیت عليهم السلام] کلام آخر ما [اهل بیت عليهم السلام] را تأیید می‌کند. اگر کسی بر خلاف قاعده‌ای که گفتیم برایتان حدیثی آورد، آن را به خود او بازگردانید و بگویید تو به [عملکرد خودت] و حدیثی که نقل می‌کنی، آگاه‌تر از ما هستی [و ما نه نقل تو را می‌پذیریم و نه انکار می‌کنیم]. پس به درستی همراه هر کلامی از ما حقیقتی وجود داشت و نوری بر آن [نمایان] است و اگر کلامی همراه با حقیقتی نبود و نوری بر آن [نمایان] نبود، آن از کلام شیطان است.

۲- شهادت مرحوم فتال رضی الله عنه بر بی‌نیازی احادیث کتاب خود از آوردن اسناد به دلیل شهرت آنها

با توجه به وثاقت ایشان در نقل روایات و شهادت ایشان مبنی بر نقل احادیث مشهوره و بی‌نیازی احادیث کتابش از ذکر اسناد، می‌توان نقل روایت در این کتاب را مؤید وثوق به صدور دانست. از طرفی نقل این حدیث در کتب اهل تسنن با طرق متعدد نیز مؤید قول مرحوم فتال رضی الله عنه است.

۳- شهادت شهید ثانی رضی الله عنه به صدور روایت از معصوم

شهید ثانی رضی الله عنه فقیهی هستند که در موضوع رجال و اسناد روایات بسیار سخت‌گیر عمل می‌کنند و در کتاب رجال خود نیز ساختار «قال فلان» را تنها در صورتی تجویز می‌کنند که از انتساب کتاب به نویسنده مطمئن باشیم؛ لذا اگر ایشان حدیثی را به شکل «قال المعصوم عليه السلام» انتساب دهند نشان از اطمینان‌شان به انتساب آن حدیث یا کتاب به معصوم عليه السلام دارد. از طرفی مجلسی اول در گزارشی از در اختیار بودن کتاب مصباح الشریعة به صورت مسند در نزد شهید ثانی خبر می‌دهد.

سؤال پنجم - آیا این حدیث را می‌توان با استفاده از این قرائن تصحیح کرد؟

تجمیع سه قرینه مذکور -مخصوصاً قرینه اول- با قاطعیت انتساب مضمون مذکور به معصوم را تأیید و با اطمینان بسیار بالایی صدور الفاظ آن را از معصوم حاصل می‌کند.

سؤال ششم - آیا این حدیث را می‌توان با استفاده از قرینه «ایفای نقش در فرآیند هدایت» نیز تصحیح کرد؟

مجموعه نیازهای انسان از جمله موارد غیر قابل انکار فطرت انسانی است؛ دین به عنوان مجموعه پاسخ‌های حضرت حق تعالی برای بهترین پاسخ به نیازهای فطرت است. بر اساس مبنای اسلام همه اتفاقات عالم در ذیل مشیت مطلقه پروردگار قرار دارد. بر این مشیت مطلقه، حکمت حاکم است. خدای متعال نیاز تمام مخلوقات خود را بر اساس قواعدی که قرار داده، تأمین می‌نماید. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که خدای متعال قواعد حاکم بر تخصیص عطایای خود به موجودات را بر اساس چه اصطلاحاتی تبیین و توضیح داده است؟ با تتبع بر آیات و روایات مشاهده می‌کنیم این مسئله فی الجمله ذیل اصطلاح «رزق» توضیح داده شده است. حال برای فهمیدن دقیق این مفهوم و نحوه ارتباط آن با مفاهیم و اصطلاحات دیگری مثل «تقدیرات» لازم است حدود و ثغور این اصطلاح (یعنی تحلیل «رزق») روشن شود و این مهم نیز بر عهده شارع مقدس است. حال با توجه به لزوم وصول مقدمات هدایت به مکلفین، می‌توان این حدیث شریف را که در مقام تحلیل رزق است، با قرینه «ایفای نقش در فرآیند هدایت» به احراز صدور آن وثوق پیدا کرد.

ب) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای تکاملی**سؤال اول: مصدر حدیث چیست؟**

اولین نکته‌ای که در مورد حدیث فوق و به طوری کلی در بررسی احادیث باید مورد بحث قرار گیرد، مصدری است که حدیث در آن مصدر روایت و ذکر شده است؛ معنای مصدر نیز قدیمی‌ترین منبع حدیثی است که روایت شریف در آن ضبط شده است.

با تتبع در کتب حدیثی و روایی مشخص گردید که فقره فوق، در «مصباح الشریعه» ذکر شده است.

سؤال دوم: جایگاه سند در اتکای به اشراف چیست؟

در سؤال دوم در مورد یک حدیث باید به طور کلی به تبیین جایگاه سند در اتکا به اشراف بحث کرد؛ در واقع باید مشخص کرد که سند چه نقشی در رساندن علم متکی به اشراف - حدیث معصوم علیه السلام - به ما دارد؟ در واقع در این بخش تعریف جدیدی از سند ارائه می‌گردد که محور آن، مسئله هدایت ابناء بشر توسط معصوم علیه السلام است و سند به عنوان یکی از ابزارهای معصوم علیه السلام برای مدیریت امر هدایت در عالم تعریف می‌شود، نه به عنوان ابزاری که ما برای رسیدن به معصوم علیه السلام از آن استفاده می‌کنیم. برای درک نکته فوق باید دقت کرد که معصوم علیه السلام - که حدیث از او صادر می‌شود - در تمام شئون و حالات خود مترصد امر هدایت جامعه بوده و در حال جریان دادن امر بسیار مهم هدایت در جامعه است. حال امام معصوم علیه السلام برای جریان دادن هدایت در جامعه از ساختارها و راه‌های مختلفی استفاده می‌کند که یکی از این ساختارها، جاری کردن هدایت در جامعه از طریق یک فرد مؤمن است که در واقع این فرد مؤمن، همان سند است. در واقع سند یک روایت، ابزاری برای رسیدن ما به معصوم علیه السلام نیست؛ بلکه سند، فرد مؤمنی است که معصوم علیه السلام از آن برای جاری کردن هدایت در جامعه و هدایت انسان‌ها بهره می‌برد و در حقیقت بزرگترین لطف و رحمتی که شامل حال یک فرد مؤمن می‌شود نیز همین موضوع است که خدای متعال و معصوم علیه السلام او را به عنوان یار خود قرار داده و امر خود را از طریق او در جامعه جاری و ساری کنند، بزرگ‌ترین نعمتی که خدای متعال به یک فرد می‌دهد لزوماً داخل کردن او در بهشت نیست، بلکه بزرگترین نعمت برای یک فرد مؤمن قرار گرفتن او در طریق هدایت و رساندن هدایت از طریق او به جامعه است. بنابراین سند یعنی فرد مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام یکی از راه‌هایی است که معصوم علیه السلام از طریق آن، علم مبتنی بر اشراف خود را در جامعه جریان داده و جامعه را هدایت می‌کند.

سؤال سوم: ساختار اتکا به اشراف به صورت استظهاری چیست؟

نکته‌ای که در سؤال سوم باید مورد دقت قرار گیرد این است که معصوم علیه السلام به عنوان مدیر هدایت در عالم، امر هدایت را تنها از طریق سند فرد مؤمن انتخاب شده - در عالم جریان نمی‌دهد، بلکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارد که افراد جامعه در زمان غیبت معصوم علیه السلام نیز می‌توانند از آن طریق هدایت را دریافت نموده و در جامعه جریان دهند، زیرا معصوم علیه السلام همواره حی و زنده بوده و مجری امر هدایت در عالم است و این امر را با ساختارهای مختلفی در جامعه جریان می‌دهد که سند یکی از آنهاست. در ادامه به بررسی استظهاری چند مورد از ساختارها و راه‌های اتکا به اشراف - ساختارهایی که معصوم علیه السلام امر

هدایت را در جامعه جاری می‌کند - می‌پردازیم. ضمناً هرگز خروجی ساختار اتکا به اشراف نباید با استظهار از آیات و روایات در تعارض باشد.

الف) زیارت: یکی از راه‌هایی که افراد می‌توانند از طریق آن امر هدایت و علم مبتنی بر اشراف را از معصوم علیه السلام تلقی کنند، زیارت معصومین علیهم السلام است که به دلیل زنده بودن همیشگی معصومین علیهم السلام، زیارت منحصر به حضور و ظهور امام نمی‌باشد، بلکه می‌توان از طریق زیارت قبور ائمه نیز به علم مبتنی بر اشراف دست یافت و هدایت را از معصوم علیه السلام تلقی نموده و توفیق حضور در طریق هدایت و یاری امام معصوم علیه السلام را به دست آورد.

دلیل استظهاری این مطلب نیز روایت شریف امام حسین علیه السلام است که می‌فرماید: «مَنْ أَتَانَا لَمْ يَعْدَمْ خَصْلَةً مِنْ أَرْبَعٍ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَقَضِيَّةٌ عَادِلَةٌ وَأَخًا مُسْتَفَادًا وَمُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ»؛ هر کس به نزد ما آید هیچ یک از این چهار خصلت را از دست نمی‌دهد ۱. نشانه‌های محکم و استوار (که همان علم است) می‌شنود ۲. از قضاوتی عادلانه برخوردار می‌گردد ۳. با برادری سودمند و پرفایده روبرو خواهد شد ۴. اجر و پاداش مصاحبت و هم‌نشینی با علما و دانشمندان را خواهد برد.

بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۹۵

ب) نیت: امر دومی که تأثیر بسیار زیادی در قرار گرفتن انسان به عنوان مجرای هدایت دارد، نیتی است که انسان‌ها در فؤاد و قلب خود دارند. در واقع نیت اصلی‌ترین مسئله‌ای است که موجب توفیق نصرت امام علیه السلام می‌گردد؛ اگر فرد شبانه روز نیت نصرت امام علیه السلام را داشته باشد و واقعاً شوق به این کار را در سینه داشته باشد، امام معصوم علیه السلام او را مجرای هدایت قرار داده و از طریق او هدایت را در جامعه جریان می‌دهد. اما اگر فرد در بی نصرت امام علیه السلام نباشد، حتی اگر قرآن نیز بخواند، لایزید الظالمین إلا خساراً؛ قرآن خواندن نیز نه تنها به هدایت او نمی‌افزاید بلکه موجب گمراهی بیشتر او می‌گردد.

اهمیت مسئله نیت در توفیق نصرت امام علیه السلام را می‌توان از روایت شریف امام صادق علیه السلام به دست آورد که فرمودند: «عَلِيٌّ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: ... قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ يَعْنِي عَلَى نَيْتِهِ»

کافی ج ۲ ص ۱۶

عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمُثَنَّى الْحَنَاطِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَنْ حَسَنَتْ نَيْتَهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نیتش نیکو شود، خدا بر رزق او می‌افزاید.

المحاسن ج ۱ ص ۲۶۱

قال اميرالمؤمنين علیه السلام: فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَأَبْتَشْتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَشَكُوتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَاسْتَكْسَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَاسْتَعْنَيْتَهُ عَلَى أُمُورِكَ وَسَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ وَصِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَسَعَةِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْدُّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَاسْتَمْطَرْتَ شَائِبَ رَحْمَتِهِ فَلَا [يُقْنِطَنَّكَ] يَفْتِنَنَّكَ [إِنْ بَطَأَ] إِبْطَاءَهُ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ وَرُبَّمَا أُحْرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ لَأَجْرِ السَّائِلِ وَأَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمَلِ وَرُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا [نُعْطَاهُ] تُؤْتَاهُ وَ

أُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجَلًا أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرَبُّكَ أَمْرٌ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أُوتِيْتَهُ فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيَمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَيُبْقَى عَنْكَ وَبِأَلِهِ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ

نهج البلاغه لصبحي صالح ص ۴۰۰

هر گاه او را بخوانی صدایت را بشنود، چون با او به راز و نیاز برخیزی رازت را بداند، پس نیاز به سوی او می‌بری، و راز دل با او در میان می‌گذاری، از ناراحتی‌هایت به او شکایت می‌بری، و چاره گرفتاری‌هایت را از او می‌خواهی، بر امورتش از حضرتش یاری می‌طلبی، از خزائن رحمتش چیزهایی را می‌خواهی که غیر او را بر عطا کردنش قدرت نیست، از قبیل زیاد شدن عمرها، سلامت بدنها، و گشایش روزیها. خداوند کلیدهای خزائن خود را در اختیار تو گذاشته به دلیل آنکه به تو اجازه درخواست از خودش را داده، پس هر گاه بخوای می‌توانی درهای نعمتش را با دعا باز کنی، و باران رحمتش را بخوای. پس تأخیر در اجابت دعا ناامیدت نکند، زیرا عطا و بخشش به اندازه نیت است. چه بسا که اجابت دعایت به تأخیر افتد تا پاداش دعا کننده بیشتر، و عطای امیدوار فراوان‌تر گردد. و چه بسا چیزی را بخوای و به تو داده نشود ولی بهتر از آن در دنیا یا آخرت به تو عنایت گردد، یا به خاطر برنامه نیکوتری این دعایت مستجاب نشود. و چه بسا چیزی را می‌خواهی که اگر اجابت گردد دینت را تباه کند. روی این حساب باید چیزی را بطلبی که زیباییش برای تو برقرار، و وبالش از تو برکنار باشد، که ثروت برای تو باقی نیست و تو هم برای آن باقی نخواهی بود.

کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام الی محمد بن ابی بکر: **إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُعْظِمَ رَغْبَتَكَ فِي الْخَيْرِ وَ تُحْسِنَ فِيهِ نَيْتَكَ فَافْعَلْ فَإِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ نَيْتِهِ إِذَا أَحَبَّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ إِنْ لَمْ يُفْعَلْ كَانَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ كَمَنْ فَعَلَهُ.**

اگر توانی به خیر دلبستگی بسیار داشته باشی و به نیت پاک بدان پردازی، چنان کن زیرا خداوند، هر گاه بنده‌اش دوستدار نیکی و نکوکاران باشد، به اندازه نیت (و قصد) آن بنده به او اعطا فرماید و اگر نتواند خیری بکند (همان قدر که نیت خیر داشته) آن شاء الله مانند کسی باشد که کار خیر کرده است. [ترجمه اتابکی]

تحف العقول ص ۱۷۶

ج) سند روایت: یکی دیگر از ساختارهای اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام، مسئله سند روایت است که در سؤال دوم از همین پیوست سند به مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام برای جریان امر هدایت در جامعه تعریف گردید.

اهمیت سند روایت در اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام نیز از طریق روایت امام صادق علیه السلام استظهار می‌گردد؛ « قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام اَعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا وَ فَهْمِهِمْ مِنَّا »؛ منزلت شیعیان نزد ما را به قدر روایاتی که از ما روایت می‌کنند و فهمی که از ما دارند بشناسید. در این روایت این نکته بیان شده است که منزلت و قدر هر فرد نزد امام علیه السلام، به میزان روایاتی است که از امام نقل می‌کند و فهمی است که از امام دارد؛ یعنی فرد هر قدر منزلت بالاتری داشته باشد امام علیه السلام بیشتر از او در مسئله مدیریت هدایت استفاده می‌کند و قدر و منزلت بیشتری نزد امام علیه السلام دارد و روایات بیشتری را از امام علیه السلام نقل می‌کند.

غیبت نعمانی، ص ۲۲

د) **عمل به علم:** از دیگر ساختارهای اتکا به اشراف، عمل به علم است؛ هر فرد به میزان عملی که به علم خود دارد، علم بیشتری را از معصوم علیه السلام دریافت می‌کند و از این راه در طریق مدیریت هدایت توسط معصوم علیه السلام قرار می‌گیرد. نقش عمل به علم در اتکا به اشراف نیز از روایت «قَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» استفاده می‌گردد؛ هرکس به چیزی که می‌داند عمل کند خداوند علم آنچه را که نمی‌داند به او می‌دهد. بنابراین از طریق عمل به علم نیز می‌توان مجرای علم مبتنی بر اشراف قرار گرفت.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۱۲۸

سؤال چهارم: فرایند هدایت مرتبط با این روایت چیست؟

چهارمین سؤالی که در مورد حدیث فوق مطرح می‌باشد این است که این روایت کدام فرایند مرتبط با هدایت را تشریح می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال مقدماتاً باید به این نکته دقت کرد که هر کلامی که از معصوم علیه السلام صادر می‌شود به غرض ایجاد هدایت در جامعه بوده و یک یا چند بُعد از ابعاد هدایت را مورد بحث قرار می‌دهد، زیرا معصوم علیه السلام هدفی جز هدایت جامعه ندارد و تمام سخنان او نیز به همین غرض صادر می‌شود. پس باید نقش حدیث فوق را در فرایند هدایت مشخص کرد و بیان نمود که حدیث فوق کدام بُعد از ابعاد مختلف هدایت را بیان می‌دارد.

برای اینکه نقش این حدیث در فرایند هدایت مشخص گردد، مقدماتاً باید دقت کرد که تفاهم احکام دینی با مردم نیازمند رعایت «قاعده مکث» است؛ بر اساس این قاعده، برای تفاهم حکمی دینی باید بحث از سه دسته گزاره درباره آن موضوع را در دستور کار قرار داد. ۱- ثبت موضوع؛ ۲- تحلیل موضوع؛ ۳- پردازش موضوع.

ثبت هر موضوع در واقع بیان این مسئله است که آن حکم دینی کدام یک از نیازهای فطرت را پاسخ می‌دهد.

تحلیل هر موضوع مشتمل بر توضیح ابعاد و حدود و تعریف دقیق آن مسئله است.

گزاره‌های پردازشی نیز بیان‌کنندهٔ روش اجرایی کردن آن حکم الهی است.

بدون تفاهم این سه دسته گزاره درباره هر موضوع و حکم دینی، مسئلهٔ مشارکت حداکثری و هدایت محقق نخواهد شد. در نتیجه ضمانت اجرایی شدن تمامی احکام و موضوعات دینی که هدف حق تعالی از ارسال رسل و انزال کتب است، منوط به وصول بیان مرتبط با این سه دسته گزاره درباره هر حکمی از احکام شرعی است.

سؤال پنجم: این روایت دقیقاً چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود دارد؟

پس از اینکه در سؤال چهارم مشخص گردید، وصول بیان درباره ساختار سه بخشی قاعده مکث درباره هر یک از احکام شرعی، از ارکان اصلی هدایت جامعه است؛ باید توجه کرد که در مسئله «رزق» که یکی از اصطلاحات پرکاربرد و استفاده در لسان دین است و با مفاهیم و اصطلاحات دیگری مثل «تقدیر»، «ذنب»، «عمل صالح» و ... ارتباط وثیقی دارد. قاعده مکث مقتضی این است که ما نسبت به اصطلاح دینی «رزق» درک «ثبتي»، «تحليلي» و «پردازشي» داشته باشیم. پس از تتبع روایات به این حدیث شریف برخورد می‌کنیم که در مقام بیان دقیق «تحلیل رزق» است. با توجه به اینکه هدایت اقتضای دانستن «تحلیل رزق» را می‌کند، با وجود ضعف سند می‌توان اظهار داشت این روایت بنابر استلزام قاعده قطعی هدایت، از تحریف و نقص مصون مانده است. از طرفی مضمون این روایت ضعیف‌السند با بسیاری از آیات و روایات دیگر هم جهت است

نظام سؤالات

۱. عامل اصلی مشکلات کشور و راه حل آن چیست؟
۲. راهکار پیشنهاد شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی چه پشتوانه پژوهشی دارد؟
 - ۲/۱. ظرفیت برنامه‌ریزی میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی در چه حدی است؟
 - ۲/۲. راهکار کاربردی کردن تعاریف فقهی ارائه شده در هر نظریه چیست؟
 - ۲/۳. نتیجه کلی گویی در حوزه برنامه‌ریزی چه اثری دارد؟
۳. مفهوم مادر نظریات مطرح در میزهای تخصصی نه گانه نمایشگاه چیست؟
۴. نظریه الگوی ساخت (نظریه مرتبط با نظام‌سازی اختیاری) چیست؟
 - ۴/۱. اشکالات مدل SWOT به عنوان یکی از مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی چیست؟
 - ۴/۲. ویژگی ممتاز نظریه الگوی ساخت نسبت به نظریات رقیب چیست؟
 - ۴/۳. ساختار پیشنهادی الگوی ساخت شامل ارائه چه مطالبی است؟
 - ۴/۴. در صورت تأمین چه شرایطی در ارائه تعاریف فقهی، ضمانت به پذیرش رسیدن برنامه‌ای به صورت اختیاری ایجاد می‌شود؟
۵. نظریه الگوی جدید نگاهیانی از نظام (نظریه حوزه اصلاح تعاریف غلط شیوع‌یافته در کشور) چیست؟
 - ۵/۱. نظام مقایسه در میان دو نظریه پزشکی مدرن و طب اسلامی در موضوع تحلیل مسئله حیات چه ساختاری دارد؟
 - ۵/۲. ابعاد تحلیل ترکیب‌پایه در طب اسلامی کدام است؟
- ۶- نظریه تعریف (نظریه حوزه محرومیت‌زدایی) چیست؟
 - ۶/۱. حل تعارض بدوی میان اعتقاد به تقدیر الهی در کنار پذیرفتن لزوم برنامه‌ریزی چیست؟
- ۷- نظریه هسته‌های توازن فرهنگی (نظریه حوزه برنامه‌ریزی کلان کشور) چیست؟
 - ۷/۱. ملاک نظریه هسته‌های توازن فرهنگی برای تشخیص معضلات و نامتوازن‌ها در نظام برنامه‌ریزی کشور کدام است؟

نظام اصطلاحات

اصطلاحات دیگران	اصطلاحات نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی
۱. مدل‌های آینده پژوهی -	۱۸. نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی -
۲. ماتریس SWOT -	۱۹. مفاهیم پوزیتیویستی -
۳. ادبیات کینزی -	۲۰. نظام تعاریف -
۴. آنارشیسم -	۲۱. نظام تصاویر -
۵. WHO -	۲۲. نظام تصمیمات -
۶. مفهوم سلول -	۲۳. الگوی ساخت -
۷. متابولیسم -	۲۴. نظم اختیاری -
۸. ترکیب مولکول‌های زیستی -	۲۵. الگوی جدید نگرهبانی از نظام -
۹. نظام ژنوم -	۲۶. نظام مقایسه -
۱۰. هسته سلول -	۲۷. نظریه تعرّف -
۱۱. غشای سلول -	۲۸. رزق -
۱۲. هاریسون -	۲۹. نظریه هسته‌های توازن فرهنگی -
۱۳. فلسفه اصالت ربط -	۳۰. نظریه آموزش و پرورش آینده -
۱۴. آزادی -	۳۱. کارکرد تربیتی نهاد خانواده -
۱۵. نظریه توانمندسازی و کاهش فقر -	۳۲. نظریه مدیریت شهری محله‌محور -
۱۶. سازمان برنامه‌بودجه -	۳۳. نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی -
۱۷. خانواده هسته‌ای -	۳۴. دولت‌سازی -
	۳۵. شاخصه‌های ارزیابی اسلامی -
	۳۶. مدرسه هدایت -
	۳۷. مدیریت اختیاری دوران تحصیل -
	۳۸. گزارش‌های راهبردی -
	۳۹. تدبّر -
	۴۰. اصطلاح رئیسه -
	۴۱. بعث آفرین -
	۴۲. تناسب با فطرت -
	۴۳. تمایل به غایت -
	۴۴. مزج اختیاری -
	۴۵. طب اسلامی -
	۴۶. ولایت فقیه -
	۴۷. محرومیت‌زدایی -
	۴۸. حسن الانتخاب -
	۴۹. برنامه هفتم

نظام ارجاعات

۱. قرآن کریم / ۳ بار
ترجمه شیخ حسین انصاریان
۲. الکافی / ۷ بار
کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ ق)، تهران: دار الکتب الإسلامية (۱۴۰۷ ق)
۳. تهذیب الاحکام / ۱ بار
طوسی، محمد بن حسن (۴۴۶ یا ۴۶۰ ق)، تهران: دار الکتب الإسلامية (۱۳۶۴ ش)
۴. الخصال / ۱ بار
ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱ ق)، قم: جامعه مدرسین (۱۳۶۲ ش)
۵. معانی الخبر / ۱ بار
ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱ ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی (۱۴۰۳ ق)
۶. مصباح الشریعة / ۱ بار
منسوب جعفر بن محمد رضی الله عنه (۱۴۸ ق)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات (۱۹۸۰ م)
۷. النوادر / ۱ بار
راوندی، فضل الله بن علی (۵۷۰ ق)، قم: دارالکتاب
۸. بحار الانوار / ۲ بار
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ ق)، بیروت: دار إحياء التراث العربي (۱۴۰۳ ق)
۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ۱ بار
نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۲۰ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام (۱۴۰۸ ق)
۱۰. غرر الحکم / ۱ بار
آمدی، عبدالواحد بن محمد (۵۵۰ ق)، قم: دار الکتب الإسلامي (۱۴۱۰ ق)
۱۱. تحریر الوسیله / ۲ بار
خمینی، روح الله (۱۳۶۹ ش)، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۵ ش)
۱۲. بیانات آیت الله خامنه ای / ۵ بار
۱۳. دوره مقدماتی فقه المکاسب / ۱ بار
۳۷ امین دوره از دانشنامه الگوی پیشرفت اسلامی
۱۴. نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی / ۱ بار
متن نشست برگزار شده در سال ۹۶ در شهرستان ورامین
۱۵. اسوه عارفان / ۱ بار
حسن زاده، صادق و طیار مرغی، محمود، انتشارات اندیشه هادی
۱۶. سیمای فرزندگان / ۱ بار
مختاری، رضا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۷۱ ش)
۱۷. مقاله مبانی فقه حکومتی / ۱ بار
آیت الله سید محمد مهدی میرباقری، مجله گفتمان فقه حکومتی، بهار و تابستان ۹۵
۱۸. توانمندسازی و کاهش فقر / ۱ بار
کتاب مرجع بانک جهانی، مترجمان: فرزام پوراصغر سنگاچین و جواد رضوانی

۱۹. نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک / ۱ بار
احمدی، علی
۲۰. نظریهٔ عدالت / ۱ بار
رالز، جان، مترجم: اسدپور تهرانی و حسین اعلامی
۲۱. مقالهٔ **Economic Possibilities for our Grandchildren** / ۱ بار
کینز، جان مینارد، انتشار در سال ۱۹۳۰
۲۲. فرهنگ بزرگ زیست شناسی / ۱ بار
هنرژاد، رحیم، انتشارات فرهنگ معاصر
۲۳. تحلیلی بر رویکرد سند برنامه ششم به تعادل بخشی منطقه ای و توسعه پایدار / ۱ بار
مقالهٔ همایش بین‌المللی «برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای رویکردها کاربردها»
۲۴. برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی برای توسعه منطقه‌ای / ۱ بار
نشریه علمی تخصصی مرکز مطالعات راهبردی آموزش وزارت کشور
۲۵. پایگاه رسمی اطلاع رسانی آیت الله سید محمدباقر میرباقری / ۱ بار
۲۶. پایگاه رسمی دانشنامهٔ بریتانیکا / ۳ بار
۲۷. پایگاه سازمان ملل متحد تهران / ۱ بار
۲۸. قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها / ۱ بار
۲۹. چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری /
۳۰. پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس / ۱ بار
۳۱. پایگاه انجمن رسانه‌ای ایران / ۱ بار
۳۲. پایگاه خبرگزاری ایسنا / ۲ بار
۳۳. پایگاه خبرگزاری برنا / ۱ بار

فهرست تفصیلی

۱. نظریات پوزیتیویستی؛ عامل اصلی مشکلات حال حاضر کشور ۲
- ۲/۱. وجود ظرفیت پشتیبانی مفهومی از برنامه هفتم؛ یک نمونه از کارکردهای تصمیم‌سازانه میزهای تخصصی
نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۲
۲. میزهای تخصصی نمایشگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ راهکارهای فقهی برای عبور از مشکلات حال حاضر کشور ۲
- ۲/۲. مفهوم مادر نظریات مطرح در میزهای تخصصی نه گانه نمایشگاه چیست؟ ۳
- ۲/۲/۱. (میز اول) نظم اختیاری؛ مفهوم مادر نظریه الگوی ساخت ۳
- ۲/۲/۲. (میز دوم) نظام مقایسه؛ مفهوم مادر نظریه الگوی جدید نگرانی از نظام ۳
- ۲/۲/۳. (میز سوم) رزق؛ مفهوم مادر نظریه تعریف (نظریه حوزه محرومیت‌زدایی) ۴
- ۲/۲/۴. (میز چهارم) هدایت؛ مفهوم مادر نظریه هسته‌های توازن فرهنگی ۴
- ۲/۲/۵. (میز پنجم) کارکرد تربیتی نهاد خانواده؛ مفهوم مادر نظریه آموزش و پرورش آینده ۴
- ۲/۲/۶. (میز ششم) محله؛ مفهوم مادر نظریه مدیریت شهری محله‌محور ۴
- ۲/۲/۸. (میز هشتم) مدیریت اختیاری؛ مفهوم مادر نظریه مدرسه هدایت ۴
- ۲/۲/۷. (میز هفتم) رفق × رشد × توازن؛ مفهوم مادر نظریه دولت‌سازی اسلامی ۵
- ۲/۲/۸. (میز هشتم) مدیریت اختیاری؛ مفهوم مادر نظریه مدرسه هدایت ۵
- ۲/۲/۹. (میز نهم) تدبیر؛ مفهوم مادر نظریه گزارش‌های راهبردی ۵
- ۲/۳. ارائه تصویر و تصمیم؛ راهکار کاربردی کردن تعاریف فقهی ارائه‌شده در هر نظریه ۶
- ۲/۳/۱. انحلال در تعاریف تفصیلی رقیب؛ نتیجه کلی‌گویی در حوزه برنامه‌ریزی ۶
۳. الگوی ساخت؛ نظریه مرتبط با نظام‌سازی اختیاری (مناسب برای برنامه‌ریزی دستگاه‌ها و سازمان‌های کشوری) ۷
- ۳/۱. «ایجاد رُعب و جبر» و «عدم ایجاد بعث درونی»؛ دو اشکال به مدل SWOT به عنوان یکی از مدل‌های
برنامه‌ریزی راهبردی ۷
- ۳/۲. جمع میان مفهوم اختیار و نظم؛ ویژگی نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی و به تبع آن نظریه الگوی ساخت ۸
- ۳/۳. ارائه تعریف، تصویر و تصمیمات متناسب با سازمان؛ اقدام مورد نیاز برای برنامه‌ریزی بر اساس الگوی ساخت ۹
- ۳/۳/۱. رعایت دو شرط «تناسب با فطرت» و «تمایل به غایت» در بخش تعریف از الگوی ساخت؛ ضامن به
پذیرش رسیدن برنامه به صورت اختیاری و بدون تحریک مبتنی بر جبر یا حرص ۹
- ۳/۳/۲. تطبیق الگوی ساخت بر وزارت نفت: ۱۰
- ۳/۳/۳. وجود نه غایت بهجت‌آفرین از دیدگاه فقه اسلام (مانند نفی سبیل، علم صحیح، عبرت) ۱۱
- ۳/۴. بازطراحی مأموریت‌های دستگاه‌ها بر اساس الگوی ساخت؛ گام نخست اصلاح نظام برنامه‌ریزی کشور ۱۲
۴. الگوی جدید نگرانی از نظام؛ نظریه حوزه اصلاح تعاریف غلط شیوع‌یافته در کشور ۱۴
- ۴/۱. ایجاد نظام مقایسه در تعریف سلامت با WHO؛ مثالی از اصلاح تعاریف غلط موجود با استفاده از الگوی جدید
نگرانی از نظام ۱۴
- ۴/۱/۱. تحلیل سلامت بر اساس سلول؛ مبنای مختار پزشکی مدرن ۱۴

- ۴/۱/۲. تحلیل سلامت بر اساس مزج اختیاری؛ مبنای مختار طب اسلامی ۱۴
- ۴/۱/۳. برتری تحلیل کل‌نگر ترکیب‌پایه در طب اسلامی بر تحلیل جزء‌نگر سلول‌پایه در طب مدرن؛ نتیجه نظام مقایسه بین دو دستگاه تحلیلی ۱۵
- ۴/۱/۴. تحلیل «اعضاء»، «کل بدن (و نسبت بدن با اخلاق)» و «نسبت رزق روزانه با نفس و بدن»؛ سه بُعد از ابعاد تحلیل ترکیب‌پایه طب اسلامی ۱۶
۵. نظریه تعارف؛ نظریه حوزه محرومیت‌زدایی ۱۹
- ۵/۱. عمل به مناسک تقدیر برای جلب روزی در همه حیطه‌ها؛ درون مایه اصلی نظریه تعارف ۱۹
- ۵/۲. پاسخ نظریه تعارف به تعارض بدوی اعتقاد به تقدیر الهی و لزوم برنامه‌ریزی ۱۹
- ۵/۲/۱. دستور به بررسی شرایط همسر آینده در کنار اعتقاد به حاکمیت رزق بر ازدواج خوب؛ مثال اول از تطبیق نظریه تعارف ۲۰
- ۵/۲/۲. دستور به انتخاب استاد خوب در کنار اعتقاد به حاکمیت رزق بر کسب علم؛ مثال دوم از تطبیق نظریه تعارف ۲۱
۶. نظریه هسته‌های توازن فرهنگی؛ نظریه حوزه برنامه‌ریزی کشور ۲۲
- ۶/۱. تعارض با هدایت؛ ملاک شناسایی معضل در نظام برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۲۲
- پیوست‌ها ۲۴
- پیوست ۱: کاربست اصطلاح «عدم توازن» در ادبیات مدیران و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی کشور ۲۴
- پیوست ۲: مراد از کارآمدی در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی و مقایسه به نظریات بعضی از فضایل معاصر ۲۵
- پیوست ۳: معنای فقهی انفال ۲۵
- پیوست رجالی پیرامون روایت شریف «أَنْتَ لَا مَانِعَ وَلَا مُعْطِيَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رَزَقَ وَ قُسِمَ لَهُ» ۲۸
- الف) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای مشهور ۲۸
- ب) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای تکاملی ۳۳

شناسنامه محتوایی

معرفی نه میز نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی

نظام سؤالات اصلی

این نوشتار در پی پاسخگویی به ۷ سؤال اصلی برآمده است.

نظام سؤالات فرعی

این نوشتار در پی پاسخگویی به ۹ سؤال فرعی برآمده است.

نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات این جلسه ۶۶ عدد می باشد

نظام محصولات مرتبط

نوشتار حاضر با ۱۷۰ محصول از شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی ارتباط علمی دارد.

نظام ارجاعات

این مکتوب داری ۴۸ ارجاع است.

معرفی نه میز
نمایشگاه
تخصصی الگوی
پیشرفت اسلامی

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی / آذرماه ۱۳۹۸

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

ما در مجموع نه دسته مفهوم را با حیث تأثیر آن‌ها بر برنامه ریزی کشور توضیح دادیم که تبدیل به این نه میز تخصصی شده است که شما در حال حاضر کتاب‌های آن را می‌بینید. إن شاء الله ما اولین بار در قم با نگاه کاملاً فقهی برنامه هفتم کشور را خواهیم نوشت. إن شاء الله براساس نظریات بخشی، احکام برنامه ای را هم پیشنهاد خواهیم داد. نفس این کار که یک مجموعه حوزوی بتواند با نگاه فقهی برنامه بنویسد و بتواند تخصیص‌ها را عوض کرده و معضلات را با نگاه جدیدی ارائه دهد، تا الآن «لَمْ يَطْمِئُنْ نَسْ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» است.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir 

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4) 

